مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

امین زمان

سید احمد حبیب نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

امین زمان: ویژه علامه امینی (ره)

نویسنده:

احمد حبیب نژاد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امین زمان: ویژه علامه امینی (ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه : حبیب نژاد، احمد

عنوان و نام پدیدآور : امین زمان: ویژه علامه امینی (ره)/احمد حبیب نژاد ؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : [۳، ۱۱۱] ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۶۸۰

شابک : ۷۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۸۰۸-۲۳-۲

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۰۹] - ۱۱۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹-- سرگذشتنامه.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -- ۴۰ ق.-- اثبات خلافت.

موضوع : امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب -- نقد و تفسیر.

موضوع : غدیر خم.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی. استان قم.

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳/الف۸ح۲ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۰۰۷۸

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

جهـان تشـیع، عالمان برجسـته و تلاشـگری را به خود دیـده است که بسترساز تجلی حق و نابودی باطل بوده انـد. آنان با یاری خواسـتن از انوار الهی، دروازه های سـعادت به سوی جهان معنا را به روی همگان گشوده انـد تا پرواز به سوی کمال را تجربه کنند.

علامه عبدالحسـین امینی در شمار این فرزانگان است. ایشان عمر خود را در زدودن زنگارها از واقعه تاریخی غدیر و مظلومیت زدایی از چهره حضـرت امیرالمؤمنین علی (ع) سپری کرد. وی در این مسیر، سختی ها و سرزنش های بسیاری را به جان خرید تا چشمه جوشان، زلال و گوارای غدیر را به نسل های آینده ارزانی دارد.

الغـدیر نه یـک کتاب، بلکه دایره المعارف بزرگی از آموزه های اسـلامی و پاسـخ گوی بسـیاری از شـبهه های نظری و علمی است. این اثر ارزشـمند، دریچه ای به بلنـدای غـدیر می گشایـد؛ آن جـا که پیـامبر خاتم صـلی الله علیه و آله در برابر دیـدگان تاریخ، دست ولایی علی (ع) را می فشارد و آن گاه از هر سو، ندای «بخٍ بخٍ لک یاامیرالمؤمنین» آویزه گوش ها می شود.

با وجود آن که نام امینی و آوازه اثر گران سنگش؛ الغدیر به دورترین مناطق جهان رسیده است، ولی هنوز آن گونه که باید و شایـد، در جامعه ما شـناخته شـده نیست و به جز اندیشـمندان، دیگران به گوهرهای آن دست نیافته اند. این نیاز علمی و دینی، رسالت رسانه را در بازشناسـی این چهره شاخص معاصـر و درون مایه کتاب وزین الغـدیر دو چنـدان می سازد. در این راسـتا، پژوهشـگر ارجمنـد جنـاب آقای سـیداحمد حبیب نژاد گام هایی ارزشـمند برداشـته است تا برنامه سازان را در رسالت خویش یاری رساند. با سپاس از ایشان، امید است این پژوهش در برنامه سازی ها به کار آید.

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

بشر برای رسیدن به آرمان هایش به ناچار باید از مسیرهایی بگذرد که گردنه های خطرناک و دشواری دارد. از این رو، به راهنمایی و کمک انسان های فرهیخته که راه را می شناسند و راهبرند، بسیار نیازمند است. انبیای الهی و امامان معصوم (ع) همان قافله سالارانی هستند که خداوند برای هدایت بشر برگزیده است. پس از آنان، عالمان و دانشمندان این وظیفه سنگین را بر عهده دارند تا انسان را در مسیر کمال راهبری کنند. هر یک از این بزرگان، مشعل هایی برافروخته اند تا گوشه ای از ظلمت کده نادانی را روشن کنند، بلکه بشر راه را از چاه و صواب را از خطا تشخیص دهد.

آیاتی از قرآن کریم که در مدح علم و عالم آمده مانند آیه شریفه «یَرْفَعِ اللّهُ الّذینَ آمنوا مِنْکُم و الذین اُوتوا العِلْمَ دَرَجاتٍ»(۱) و حدیث های فراوانی هم چون «انَّ العلماء وَرَثهُ الانبیاء»(۲)، نشانگر ارزش عالمان و بیانگر توجه زیاد دین مبین اسلام به مقام آن ها است.

در روزگار ما نیز علامه عبدالحسین امینی تبریزی از جمله وارثان انبیا و ستارگان آسمان دانش و معرفت است که سال ها در این پهنه درخشیده و هم چنان می درخشد.

۱- مجادله، ۱۱: «خدا به آنان که به حق ایمان آوردند و نیز به آنان که از علم و دانش بهره مند هستند رفعتِ مقام اعطا می کند».

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲، باب ثواب العلم و المتعلّم.

وی دارای مراتب علمی و مقامات معنوی و از بزرگان دانش اسلامی و معارف الهی بود که در راه کشف، احیا و بیانِ معارف و حقایق اهل بیت (ع)کوشش های فراوانی کرد و خدمات ارزش مندی به جهان اسلام و مذهب حقه تشیع انجام داد.

علامه امینی از کسانی است که سختی و دشواری زندگی، در اراده پولادینش برای اعتلای دین، خللی ایجاد نکرد و تا آخرین لحظه های زندگی به جهاد علمی و معنوی خود ادامه داد.

آتش عشق به ولایت و اهل بیت نبوت (ع) آن چنان در ایشان شعله ور بود که ۴۰ سال از عمر پربرکتش را صرف آفرینش شاهکاری به نام الغدیر در دفاع از مذهب تشیع و امامان معصوم کرد؛ الغدیری که نام نویسنده اش را بر سر زبان ها انداخت و هم چون نگینی در میان کتاب های اسلامی درخشید.

در این نوشتار، نخست شمّه ای از زندگانی علامه امینی را بررسی خواهیم کرد. سپس با نوشته های آن عالم فرزانه به ویژه کتاب ارزش مند الغدیر آشنا می شویم. در بخش های دیگر نیز به آرمان ها، اهداف، ویژگی ها و خدمات علامه امینی می پردازیم. اعتراف می کنیم که بیان کردن ارزش، بزرگی و جلال آن مجاهد خستگی ناپذیر و پرداختن به کارهای آن محققِ ربّانی بسیار والاتر و بیش تر از چیزی است که در این نوشتار آمده است، ولی با این همه می گوییم:

هم به قدر تشنگی باید چشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

بخش اوّل: معمار الغدیر

اشاره

بخش اوّل: معمار الغدیر

زیر فصل ها

فصل اوّل: طلوع امینِ زمان

فصل دوّم: زندگی علمی

فصل سوّم: ویژگی های اخلاقی علاّمه امینی

فصل چهارم: دیدگاه ها و آرمان ها

فصل پنجم: آثار علمی

فصل ششم: خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

فصل هفتم: علاّمه امینی از دیدگاه بزرگان

فصل اوّل: طلوع امینِ زمان

اشاره

فصل اوّل: طلوع امینِ زمان

زیر فصل ها

۱ _ سپیده صبح

۲ _ خاندان پاک

۳ _ دوران کودکی

۴ _ سوگ آفتاب

۱ _ سپیده صبح

۱ _ سپیده صبح

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

دل رمیده ما را انیس و مونس شد

آسمانِ تبریز سرشار از ستاره های درخشان بود و از زمین و زمان، نور می بارید؛ گویا همه می دانستند شیخ احمد در انتظار فرزندی است که با الغدیر خود، جهانی را نورانی خواهد کرد. سرانجام انتظار به سر رسید(۱) و خانه شیخ احمد لبریز شادی شد.

فرزند را عبدالحسین نامیدند تا همواره عشق اهل بیت (ع) در سینه اش مانا باشد؛ پیوسته در مسیر ایشان گام بردارد و هم چون مولایش حسین (ع)، شمیم روح افزای ولایت را پراکنده سازد. آری، عبدالحسین به دنیا آمد و الغدیر با او جان گرفت.

۱- تاریخ دقیق تولّد علاّمه امینی رحمه الله مشخص نیست، ولی گویا سال ۱۳۲۰ ه . ق ۱۲۸۱ ه . ش بوده است.

۲ _ خاندان پاک

۲ _ خاندان پاک

شیخ (میرزا) احمد امینی تبریزی،(۱) پدر بزرگوار علّامه امینی از عالمان با تقوا بود و مردم به ایشان همواره به دیده احترام می نگریستند. ایشان در سال ۱۲۸۷ ه . ق در روستای سُردها _ از توابع تبریز _ به دنیا آمد و در سال ۱۳۰۴ ه . ق برای یادگیری دانش به تبریز رفت. میرزا احمد پس از تکمیل مقدّمات، از استادان بسیاری کسب فیض کرد و در رشته های گوناگونِ دینی، از خرمن دانش بزرگان، خوشه ها چید. به گونه ای که حضرت آیت اللّه میرزا علی شیرازی(۲) و استاد میرزا علی ایروانی،(۳) دانش و پارسایی ایشان را تأیید کردند. برخی آثار به یادگار مانده از ایشان عبارتند از: شرحی بر قصیده المفجع و تعلیقاتی بر مکاسب شیخ انصاری. این مرد بزرگ در سال ۱۳۷۰ ه . ق، دیده از جهان فرو بست.

پدربزرگ علّامه امینی، مولی نجف قلی مشهور به امین الشرع بود که نام خانوادگی علّامه نیز از همین لقب گرفته شده است. ایشان در سال ۱۲۵۷ ه . ق، در روستای سردها پا به عرصه هستی نهاد و به یادگیری دانش و ادب پرداخت. وی مردی زاهد، فاضل، پرهیزگار و ادیبی برجسته بود که به گردآوری اخبار ائمّه اطهار (ع) علاقه بسیاری داشت و چند مجموعه روایت نیز تدوین کرده و اشعاری به فارسی و ترکی از او به جا مانده است. ایشان در سال ۱۳۴۰ ه . ق از دنیا رفت و در وادی السلام نجف اشرف به خاک سپرده شد.(۴)

۱- نک: الغدیر، برگردان: محمّدتقی واحدی و دیگران، ج ۱، ص ۱۵۴؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۴۱۰.

۲- از مراجع بزرگ تقلید در قرن چهاردهم وفات ۱۳۵۵ ه . ق.

۳- از عالمان بزرگ نجف و نویسنده کتاب هایی مانند: تحریرالاصول وفات ۱۳۵۴ ه . ق.

۴- شهیدان راه فضیلت، ص ۷.

۳ _ دوران کودکی

۳ _ دوران کودکی

کودکیِ عبدالحسین مانند دیگر هم سالانش سپری نشد، بلکه او از همان کودکی، استعداد و تیزهوشی عجیبی از خود نشان می داد. وی از آغاز زندگی، با حافظه قوی و سرعت عجیبش در درک مسائل دینی،(۱) همه نگاه ها را به خویش جلب کرد. روح پرسش گر و جست و جوگر عبدالحسین نمی گذاشت تا او مانند دیگر کودکان باشد. هرکس در کودکی او را درک می کرد، از تیزهوشی وی خبر می داد. او مانند عالمان فکر می کرد و می فهمید و حالت های کودکانه _ مثل بازی و کارهای بیهوده _ را انجام نمی داد.(۲)

خانواده مذهبی و علاقه مند به دانش و معرفت علامه نیز زمینه رشد و تعالی عبدالحسین را آماده کردند. اولین استاد این کودک با استعداد، پدر روحانی اش بود که او را با مبانی دانش آشنا ساخت و روح تشنه اش را سیراب کرد.

پدر، ادبیات فارسی، عربی، منطق و تا اندازه ای فقه و اصول را به فرزندش آموخت. در کنار این ها، عبدالحسین به کتاب های حدیثی و اعتقادی نیز اشتیاق زیادی داشت، ولی با این همه، «قرآن و نهج البلاغه دو کتاب گران قدر برای آموزش این محصّل جوان بود».(۳)

از همان کودکی، وجودِ عبدالحسین از آیه های قرآن و سخنان والای امیرالمؤمنین (ع) و امامان دیگر پُر شد و به این ترتیب، عشق به اهل بیت (ع)در

۱- علمای بزرگ شیعه، ص ۴۱۰.

۲- ربع قرن مع العلّامه، حسین شاکری، ص ۲۹۹.

۳- گلشن ابرار، جمعی از پژوهش گران، ج ۲، ص ۷۲۷.

تار و پود وجودش نفوذ کرد به گونه ای که نخستین شعری که «فرزندِ شاگرد» از «پدرِ استاد» خویش آموخت و حفظ کرد، شعری از امیرالمؤمنین علی (ع) بود با این مطلع:

مُحمّدُ النّبی اخی و صنوی

و حمزهُ سیّدُ الشّهداء عمّی(۱) بدین ترتیب، علاّمه امینی با کوششِ علمی و با استعداد و پشتکارخویش، خانواده و اطرافیانش را به آینده خود امیدوار می ساخت.

۴ _ سوگ آفتاب

۴ _ سوگ آفتاب

خستگی ها و سختی های علاّمه امینی در راه اعتلای دین اسلام و مذهب تشیع در ظهر روز جمعه ۱۲ تیرماه سال ۱۳۴۹ ه . ش (۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۰ ه . ق) به پایان رسید و صاحب الغدیر پس از ۶۸ سال تلاش و کوشش به دیدار یار شتافت تا از دستِ صاحبِ غدیر و از چشمه زلال کوثر بیاشامد و غبار خستگی را از تن بزداید.

علّت مرگ علاّمه نیز پندآموز است. روح بلند علاّمه پیوسته در پیِ برنامه ها و طرح هایی بزرگ و ارزش مند مانند: خانه نویسندگان، رسیدگی به نشریّه های جهان درمورد اسلام و آیین نقابت بود، ولی کمبود امکانات مالی مانعِ اجرای این طرح ها می گشت. دکتر منوچهری _ پزشک علاّمه _ در مورد علت بیماری علاّمه می گوید:

۱- الغدیر، ج ۱، ص ۲۵: «محمّد صلی الله علیه و آله وسلم، پیامبر خدا، برادر من و مهربان با من است و حمزه، آقای شهیدان عموی من است».

علاّمه امینی برنامه ها و طرح های علمی و فرهنگی گسترده ای در ذهنش طرح ریزی کرده بود و چون امکانات مالی نداشت و عملی کردن این طرح ها هم هزینه های زیادی می طلبید، به مغز و اعصابش فشار آورد و دچار بیماری شد.(۱)

استاد جلال الدین همایی نیز می گوید:

کثرت کار و زحمت بی شماری که امینی در راه خدمتِ مذهبی کشید، کم کم قوای بدنی او را ضعیف ساخت تا منتهی به مرگ او گردید.هنگام احتضار، لب های علاّمه را با آب مخلوط به خاک مقدس کربلا مرطوب ساختند و فرزندشان ــ حاج شیخ رضا امینی ــ دعاهای عدیله، مناجات المتوسلین و مناجات المعتصمین را می خواند و علاّمه هم با حزن و اندوه و در حالی که اشک از چشمانشان سرازیر بود، دعاها را تکرار می کردند.(۲)

آخرین سخنانی که در لحظه های آخر زندگی بر لبان آن مرد بزرگ جاری شد، این بود:

خداوندا! این سَکَرات مرگ است که به سویم می آید. پس به سوی من نظری کن و مرا با آن چه صالحان را کمک می کنی، کمک نما.(۳)

بامداد روز شنبه ۱۳ تیرماه، پیکر علاّمه از خیابان شاه پور تا سه راه بوذرجمهری و از آن جا تا مسجد ارک تشییع شد. مردم همانند کسی که عزیزترین کس خود را از دست داده باشند، در تشییع پیکر امینِ خود شرکت کردند به گونه ای که: «میدان ها و خیابان ها پر بود از جمعیت؛ همه سیاه پوش و غرق در تجلیل

۱- جرعه نوش غدیر، مهدی لطیفی، ص ۷۲.

۲- حماسه غدیر، محمدرضا حکیمی، ص ۵۵۱.

۳- دراسه فی موسوعه الغدیر، کمال سیّد، ص ۲۵.

علم»(۱).

افزون بر تهران، در شهرهای بغداد، کاظمین، کربلا و نجف نیز پیکر علاّمه با شکوه فراوانی تشییع شد و پس از طواف دادن پیکر بر گرد آستان مقدس علوی، به وصیّت خودشان، در حجره ای از کتاب خانه امیرالمؤمنین علی (ع) ـ که خود بنیان گذار آن بود ـ به خاک سپرده شد. پس از مراسم خاک سپاری، مردم تا مدت ها در شهرهای بزرگ ایران، عراق و دیگر کشورهای اسلامی، مجلس های ترحیم برگزار و از مقام علمی و معنوی آن بزرگ مرد عرصه علم و تقوا تجلیل کردند. عبارت های زیر گوشه هایی از وصیت علاّمه امینی است(۲) که اوج اخلاص و عشق ایشان را به خاندان وحی نشان می دهد:

از فرزندان و دوستانم می خواهم که مرا از دعای خیر فراموش نکنند و در مجالس عزا و توسّل و دعا مرا به یاد بیاورند. از طرف من، کسی را نایب قرار دهید تا ده سال به کربلا برود. ده سال مجلس عزادر روزهای وفات فاطمه زهرا علیهاالسلام برگزار کنید.

هرچند پیکر خسته صاحبِ الغدیر از میان شیفتگان ایشان پنهان گشت، ولی الغدیر او مانند نگینی درخشان در عرصه دین و دانش باقی مانده است. به تعبیر استاد جلال الدین همایی:

علاّمه امینی در واقع نمرده، بلکه حیات جاودانی یافته است.(۳)

آری:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم، دوام ما

۱- حماسه غدیر، ص ۳۴۷.

۲- ربع قرن مع العلاّمه، ص ۲۸۶.

۳- حماسه غدیر، ص ۵۵۱.

فصل دوّم: زندگی علمی

اشاره

فصل دوّم: زندگی علمی

زیر فصل ها

۱ _ طلبه طالبیّه

۱ _ طلبه طالبیّه

گفته شد که عبدالحسین در دوران کودکی و نوجوانی، بخش هایی از دانش حوزوی را در محضر پدر بزرگوارش فرا گرفت، ولی روح بلند او تشنه چشمه های زلال بی کران معرفت و دانش بود. از این رو، در مدرسه طالبیه تبریز به فراگیری دانش پرداخت.

مدرسه طالبیه تبریز از مرکزهای مهم علوم دینی بود که استادان بزرگی در آن جا مشغول تدریس بودند. شیخ عبدالحسین، ادامه مقدمات و سطوح از جمله فقه و اصول را نزد استادان برجسته این مدرسه به خوبی سپری کرد.

استادان علاّمه در مدرسه طالبیّه

برای آشنایی بهتر با سطح علمی مدرسه طالبیه و طلبه گران قدر آن جا به برخی از استادان ایشان اشاره می کنیم:

۱ _ آیت اللّه سیّد محمّد موسوی (مولانا) (وفات ۱۳۶۳ ه . ق): استاد مولانا از مراجع تقلید تبریز به شمار می آمد و از مراتب بالای معنوی و اخلاقی نیز برخوردار بود.(۱)

۲ _ آیت اللّه سیّدمرتضی خسروشاهی: ایشان از شاگردان آیت اللّه شیخ عبدالکریم حایری و سیّدابوالحسن انگجی بود. که

کتابی به نام معنی حدیث غدیر از ایشان به یادگار مانده است.(۲)

۳ ـ شیخ حسین بن عبدعلی توتونچی: این فقیه و اصولی بزرگوار از شاگردان شیخ الشریعه

۱- ریحانه الادب، محمدعلی مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۲۸.

۲- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۴.

اصفهانی، آیت اللّه نهاوندی، شیخ محمّدحسن ممقانی و شیخ محمّدتقی شیرازی بود و در اصول عقاید، فقه و اصول، آثاری دارد.(۱)

۴ _ میرزاعلی اصغر ملکی: ایشان نیز از فقیهان و فاضلان روزگارِ خود و دارای مراتب معنوی و علمی است.(۲)

۵ _ شیخ حسین: ایشان از استادان برجسته و صاحب کتاب هدایه الانام بود.(۳)

علاّمه از خرمن دانش این عالمان وارسته، خوشه ها چید تا برای مبارزه علمی آماده تر شود.

۲ _ علاّمه در نجف اشرف

۲ _ علاّمه در نجف اشرف

ایشان پس از این که سطوح فقه و اصول را در مدرسه طالبیه گذراند، به نجف سفر کرد تا در آستان مقدّس علوی، از امیرالمؤمنین علی (ع) مدد بخواهد و بر اندوخته های اخلاقی، علمی و معنوی خویش بیفزاید. نجف اشرف در آن زمان، مرکز اصلی علوم و معارف اسلامی بود و استادان بزرگ و مشهوری در آن جا حضور داشتند.

علاّمه، دو دوره در حوزه نجف حضور پیدا کرده است. در دوره اول، پس از مدتی به تبریز برگشته و دو سال در آن جا مانده، ولی دوباره به نجف بازگشته است.

۱- جرعه نوش غدیر، ص ۳۰.

۲- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۴.

استادان علاّمه در دوره اوّل

ایشان در نجف اشرف، به مرتبه های بالای علمی در فقه و اصول دست یافت.

استادان معروف او در دوره اول تحصیل در نجف عبارتند از:

۱ _ آیت اللّه سیدمحمد حسین فیروزآبادی (وفات ۱۳۴۵ ه . ق): ایشان از عالمان بزرگ شیعه و از مراجع تقلید زمان خویش بود و از شاگردان میرزای بزرگ شیرازی، آخوند خراسانی و فاضل اردکانی به شمار می رفت.(۱)

۲ _ آیت اللّه سیّد ابو تراب خراسانی (وفات ۱۳۴۶ ه . ق): این بزرگوار از استادان بزرگ نجف و از شاگردان عالمانی مانند: کوه کمره ای، رشتی، مازندرانی و کاظمینی بود ایشان در دانش های گوناگونِ حساب، جغرافیا و هندسه نیز مهارت داشت.(۲)

۳ _ میرزا علی ایروانی (وفات ۱۳۵۴ ه . ق): وی از عالمان برجسته حوزه نجف و از شاگردان آیات عظام سیدمحمدکاظم یزدی و میرزا محمدتقی شیرازی است.(۳)

۴ _ آیت اللّه میرزا ابوالحسن مشکینی (وفات ۱۳۵۸ ه . ق): ایشان از فقیهان و اصولیان مشهور حوزه علمیه نجف و از شاگردان آخوند خراسانی، شریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بود.(۴)

علاّمه امینی در اولین دوره حضور در حوزه نجف، افزون بر استادان یاد شده، از وجود استادان دیگری نیز بهره مند شده است.

حال و هوای معنوی شهر نجف، عظمت علمی حوزه نجف و استادان

۱- علمای بزرگ شیعه، ص ۳۵۷؛ ریحانه الادب، ج ۴، ص ۳۶۴.

۲- علمای بزرگ شیعه، ص ۳۵۸.

۳- ریحانه الادب، ج ۶، ص ۶۵.

۴- ریحانه الادب، ج ۵، ص ۳۲۰.

بزرگوار آن، تلاش فراوان علّامه و عنایت های مولای متقیان؛ امیرمؤمنان علی (ع) باعث شدند تا علّامه امینی به سرمایه های بزرگی در علم و عمل دست یابد و در دانش های گوناگون اسلامی، مهارت فراوانی فرا بگیرد. علّامه پس از این دوره کوتاه، دوباره به زادگاه خود، تبریز بازگشت.

استادان علّامه در دوره دوّم

علامه پس از دو سال اقامت در تبریز، به نجف اشرف برگشت. ولی در این دوره نیز با کوشش فراوان به تحصیل و تکمیل آموخته های خود پرداخت. و در همین دوره بود که با سپری کردن علوم عقلی و نقلی به درجه اجتهاد رسید. استادان این دوره زندگی علمی علّامه، از عامل های اصلی موفقیّت او هستند؛ زیرا هر کدام از این بزرگواران، استوانه های علمی روزگار خود بودند. این بزرگان عبارتند از:

۱ ـ آیت اللّه سیدمیرزا علی شیرازی (وفات ۱۳۵۵ ه . ق): وی از مراجع بزرگ زمان و از شاگردان آخوند خراسانی بود که در فقه و اصول، مهارت زیادی داشت.(۱)

۲ ـ میرزای نایینی (وفات ۱۳۵۵ ه . ق): میرزای نایینی از بزرگ ترین فقیهان و اصولیان زمان بود که عالمان و شاگردان بسیاری در جلسه درس اصول و فقه ایشان حضور می یافتند. تنبیه الامه و تنزیه المله از کتاب های مشهور ایشان است.(۲)

۳ ـ آیت اللّه شیخ عبدالکریم حایری یزدی (وفات ۱۳۵۵ ه . ق): پایه گذار حوزه علمیه قم و از عالمان بزرگ معاصر بوده است و آثار بسیاری در فقه و اصول از ایشان به یادگار مانده است.(۳)

۱- ریحانه الادب، ج ۶، ص ۶۸.

۲- ریحانه الادب، ج ۶، ص ۱۲۷.

۳- ریحانه الادب، ج ۱، ص ۶۶.

۴ _ آیت اللّه سیدابوالحسن اصفهانی (وفات ۱۳۵۵ ه . ق): این شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی، مرجع تقلید شیعیان در زمان خود بود.(۱)

۵ _ آیت اللّه شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) (وفات ۱۳۶۱ ه . ق): ایشان در دانش هایی مانند فقه، اصول و فلسفه، مهارت فراوانی داشت.(۲)

۶ _ آیت اللّه کاشف الغطا (وفات ۱۳۷۳ ه . ق): این بزرگ مرد از شخصیت های برجسته علمی و اخلاقی زمان خود بود.(۳)

۳ _ اجازه های روایی و اجتهادی

۳ _ اجازه های روایی و اجتهادی

علاّمه امینی با تلاش و کوشش فراوان توانست به مقام اجتهاد برسد؛ یعنی احکام شرعی را از متن ها و منابع اسلامی استنباط کند.

در حوزه علمی شیعه رسم بر این است که هر کس به مقام اجتهاد می رسد، اجازه نامه ای از مراجع زمان خود دریافت می کند که در آن تصدیق می شود شخص به درجه اجتهاد رسیده است. در اصطلاح، به این اجازه نامه، اجازه اجتهاد می گویند. از سوی دیگر، برای آن که مجتهد یا فقیه، روایت هایی را که نقل می کند، به پیامبر و اهل بیت (ع) متصل باشد، از استادانی _ که خود با سلسله اجازه هایی از بزرگان و محدّثان به پیامبر و اهل بیت (ع) متصل هستند _ اجازه روایی دریافت می دارد تا در ردیف حاملان حدیث های معصومان (ع)قرار بگیرد.

علاّمه امینی از کسانی است که به صورت کتبی و شفاهی، اجازه روایی و

۱- ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲- ریحانه الادب، ج ۵، ص ۹۱.

۳- ریحانه الادب، ج ۵، ص ۲۸.

اجازه اجتهاد دریافت کرد.

مراجع بزرگواری که با دست خط خود، اجازه نامه های روایی برای علاّمه صادر کرده اند، عبارتند از:

۱ _ آیت اللّه سیدابوالحسن اصفهانی؛

۲ _ آیت اللّه سیدمیرزا علی حسینی شیرازی؛

۳ _ آیت اللّه شیخ علی اصغر ملکی تبریزی؛

۴ _ آیت اللّه سیدآقا حسینی قمی؛

۵ _ شیخ علی بن ابراهیم قمی؛

۶ _ شیخ محمدعلی غروی اردوبادی؛

۷ _ شیخ محمدحسن معروف به آقا بزرگ تهرانی؛

۸ _ شیخ میرزا یحیی خویی.

اجازه های اجتهادی علاّمه نیز به دست این بزرگان صادر گردیده است:

۱ _ آیت اللّه سید ابوالحسن اصفهانی؛

۲ _ آیت اللّه سیدمیرزا علی حسینی شیرازی؛

۳ _ میرزای نائینی؛

۴ _ آیت اللّه عبدالکریم حایری؛

۵ _ آیت اللّه کاشف الغطا؛

۶ _ شیخ علی قمی نجفی؛

۴ _ شاگردان

۴ _ شاگردان

علّامه در کنار کارهای علمی و پژوهشی خود، همواره به تدریس علم و

تربیت شاگرد مشغول بود. از تعداد و نام شاگردان علاّمه، اطلاعاتی به دست نیاوردیم، ولی از آن جا که «مُشت نمونه خروار است»، شناخت یکی از شاگردان برجسته ایشان بیانگر اوج عظمت علاّمه در زمینه های گوناگون روحی، علمی و سیاسی است و تأثیرگذاری علاّمه بر اطرافیان خود به ویژه بر شاگردانش را نشان می دهد.

در این جا، سخن از شهید سیدمجتبی نواب صفوی است. نوّاب، روحانی پرآوازه و انقلابی ایران، از شاگردان علاّمه است و زندگی و شخصیت استادِ امین یکی از عوامل تأثیرگذار در روحیّه این شاگرد شهیدِ انقلابی بود.

شهید نواب صفوی در مدرسه قوام _ از مدرسه های حوزه علمیه نجف _ اقامت داشت. علاّمه نیز در حجره فوقانی مدرسه قوام، کتاب خانه ای تأسیس کرده و آن جا را اتاق کار خود و محل نگارش الغدیر قرار داده بود. این موضوع باعث گردید تا ارتباط شاگرد و استاد روزافزون شود به گونه ای که نوشته اند:

سید مجتبی در نجف اشرف بیش از همه به مرحوم علاّمه امینی ارادت داشت.(۱)

استاد، با سخنان خود که همواره در دفاع از حریم دین و ولایت بود، شاگرد خویش را در راهی قرار داد که نام شهید نواب صفوی هیچ گاه از حافظه ملّتِ ما پاک نخواهد شد. سیدمجتبی نیز «همواره خود را مدیون راهنمایی ها و طرز فکر علاّمه امینی در بزرگداشت شیعه و رهبران و امامان بر حق می دانست.(۲)

بر اثر همان راهنمایی ها و اندیشه بود که شهید نواب صفوی به ایران آمد

۱- نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۲، ص ۱۹۶.
۲- نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۲، ص ۱۹۶.

و نهضت فداییان اسلام را بنیان نهاد و خود به ترور احمد کسروی ــ نویسنده مزدور و اهانت کننده به آموزه های اسلامی ــ دست زد. شیخ محمدرضا نیک نام ــ از یاران دیرین نواب صفوی ــ می گوید:

در یکی از روزها، عده ای از علما در منزل مرحوم آیت اللّه علاّمه امینی جمع شدند و راجع به کسروی صحبت کردند و نظریه آنان ارتداد، چنین کسی بود. شهید نواب صفوی می فرمود که من در آن جا بودم و سخنان علما را استماع می کردم. در پایان سخنانِ آن ها برخاسته و به ایران حرکت کردم.(۱)

این حرکت، سرآغاز نهضتی بود که فداییان اسلام علیه رژیم ستم شاهی برپا کردند؛ نهضتی که نواب صفوی آغاز کرد «تا با یارانش، پایه های حکومت غاصبان را به لرزه افکند».(۲)

آری، استادی که سراسر عمرش را در دفاع از اسلام، ولایت و حریم تشیع وقف کرد، باید چنین شاگردی را تربیت کند که از «شهیدان راه فضیلت»(۳) و از «فداییان اسلام» گردد.

۵ ــ سفرهای علمی ــ پژوهشی

۵ ــ سفرهای علمی ــ پژوهشی

علاّمه امینی به کشورهای اسلامی، سفرهایی داشت. انگیزه سفرهای ایشان را می توان چنین برشمرد:

۱- نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۳۵.

۳- اشاره به کتابی از علاّمه امینی به نام «شهداء الفضیله».

الف ــ تلاش برای ایجاد تفاهم و وحدت میان مسلمانان(۱) و رفع اختلاف فرقه های اسلامی؛

ب ــ برطرف کردن تحریف ها و تهمت هایی که به شیعیان نسبت داده می شد؛

ج ــ از بین بردن بدعت هایی که در دین مبین اسلام پدید آمده بود؛

د ــ تلاش برای احیای سنت هایی که به مرور زمان در میان جوامع اسلامی کم رنگ شده بود، مثل آیین نقابت؛

ه ــ دست یابی به منابع و متن های معتبر اسلامی برای تکمیل آثار خویش به ویژه الغدیر؛

و ــ نشر مفهوم ولایت و دفاع از آن.

گسترش آموزه های ولایی، مهم ترین هدف سفرهای علاّمه بود؛ زیرا ایشان به هر سرزمینی که مسافرت می کرد، عطر دل انگیز ولایت را به آن جا ارمغان می برد.

افزون بر آن، ایشان برای دست یابی به منابع و متن های معتبر جهت تکمیل پژوهش های خویش به ویژه در مورد کتاب الغدیر، به هر شهری که وارد می شد، نخست به کتاب خانه آن شهر می رفت. کتاب خانه دوست داشتنی ترین مکان برای علاّمه بود به گونه ای که ساعت های طولانی در کتاب خانه ها به سر می برد تا به منابع و مدارک مورد نیاز دست پیدا کند.

علاّمه از بسیاری کتاب خانه های کوچک و بزرگ کشورهای اسلامی، دیدار و استفاده کرده است که در این جا به برخی کتاب خانه هایی اشاره

۱- نک: «اهداف الغدیر» در همین نوشتار.

می شود که علاّمه بدان جا رفته است:

۱ ــ ایران

علاّمه چندبار جهت بررسی آثار مکتوب و میراث فکریِ کتاب خانه های مهم ایران به این کشور آمد. که از جمله به موارد زیر باید اشاره کرد:

الف ــ کتاب خانه آستان قدس رضوی (مشهد).

ب ــ کتاب خانه های مجلس شورای اسلامی، مدرسه سپهسالار، حاج حسین ملك و کتاب خانه ملّی (تهران).

ج ــ کتاب خانه آیت اللّه بروجردی (بروجرد)

د ــ کتاب خانه شیخ سردار کابلی (کرمانشاه)

ایشان به شهرهای اصفهان، همدان و کرمانشاه نیز سفر کرده است.

۲ ــ هندوستان

علاّمه در سال ۱۳۸۰ ه . ق به هندوستان مسافرت کرد. هندوستان از مراکزی بود که علاّمه برای تکمیل کارهای پژوهشی خود به ویژه کتاب الغدیر، برای کتاب خانه های آن جا اهمیت خاصی قائل بود. علاّمه در این سفر که حدود ۴ ماه طول کشید، موفق شد کتاب های بسیار معتبر و مهمّی را استنساخ کند که جزو متن های دست اول برای نگارش الغدیر به شمار می روند.

برخی شهرها و کتاب خانه های هند که علاّمه از آن ها سود جسته است، عبارتند از:

الف ــ کتاب خانه های ناصریه، مدرسه الواعظین، سلطان المدارس، ممتاز العلما، فرنگی محل، ندوهُ العلما، امیرالدوله (لکنهو)

ب ــ کتاب خانه دانشگاه اسلامی (علیگره)

ج ــ کتاب خانه عمومی الرضا (رامپور)

د ـ کتاب خانه عمومی خدابخش (تپنه)

م ـ کتاب خانه راجه محمودآباد (محمودآباد)

د ـ کتاب خانه های عمومی دانشگاهِ عثمانی، آصفیه، سالار جنگ، دایره المعارف اسلامی (حیدرآباد).

هم چنین علّامه به شهرهای بمبئی، کانپور و جلالی سفر کرده است.

۳ ـ سوریه

ایشان در سال ۱۳۸۴ ه . ق به سوریه سفر کرد و در مدت ۴ ماه، از ذخیره های موجود کتاب خانه های آن جا بهره برد. برخی از آن ها عبارتند از:

الف ـ کتاب خانه های اوقاف و ملی (حلب).

ب ـ کتاب خانه های دارالکتب الوطنیه و مجمع اللغه العربیه (دمشق).

۴ ـ ترکیه

آخرین سفر علمی ـ پژوهشی علّامه در سال ۱۳۸۷ ه . ق به کشور ترکیه بود. ایشان در شهرهای اسلامبول، بورسه، وانقره و ازمیر به کتاب خانه های سلیمانیه، طوپ، جامع ایاصوفیا، حراجچی اوغلی، اورخان، کنلون و کوپرلی مراجعه کرد.

۵ ـ عراق

علّامه به شهرهای گوناگون عراق مسافرت کرده و از منابع کتاب خانه های زیر بهره برده است:

الف ـ کتاب خانه های شیخ عبدالحسین طهرانی و ابوالحب حایری (کربلا).

ب ـ کتاب خانه های آیت اللّه سیدحسن صدر کاظمی، شیخ مهدی کبه، سیدعیسی عطار، شالچی آل حیدری (کاظمین و بغداد).

ج ـ کتاب خانه میرزا محمّد عسکری تهرانی (سامرا).

هم چنین علّامه به شهرهای حله و بصره سفر کرده و به کتاب خانه های آن جا

سر زده است. ایشان به شهرهای بیروت، مکّه،(۱) مدینه، فوعه، کفریه، معتره، مصرین، نبل و حلب نیز مسافرت کرده است.

یکی از نکته های مهم در سفرهای علاّمه امینی، شرکت ایشان در جلسه های بحث اندیشمندان کشورهای گوناگون بود. علاّمه در این مجالس از مبانی مذهب تشیع دفاع می کرد و با استدلال های محکمِ علمی، حقانیّت ولایت را بر همگان آشکار می ساخت. حتی در برخی از این سفرها، عده ای با تلاش علاّمه، شیعه می شدند.

استنساخ(۲) بعضی متن های معتبر، اصیل و کم یاب، دیگر ثمره سفرهای پربار آن مرد خستگی ناپذیر است.

ناز پرور تنعّم نبرد راه به دوست

عاشقی شیوه مردان بلاکش باشد

فصل سوّم: ویژگی های اخلاقی علاّمه امینی

اشاره

فصل سوّم: ویژگی های اخلاقی علاّمه امینی

زیر فصل ها

۱ _ عبادت

۲ _ زهد و تقوا

۳ _ ادب و اخلاق

۴ _ شجاعت

۵ _ عزم و اراده

۶ _ راست گویی و امانت داری

۷ _ پشتکار علمی

۸ _ قدرت خطابه

۹ _ عشق به اهل بیت (ع)

۱۰ ـ شناخت عنصر زمان

۱۱ ـ کمک به نیازمندان

۱ ـ عبادت

۱ ـ عبادت

راز و نیاز، نیایش و تضرع از ویژگی های انسان های خدایی است که راه وصول به ملکوت الهی را بر آنان می گشاید. هرچه معرفت انسان به خود و خدایش بیش تر شود، احساسِ نیاز به عبادت در وی بیش تر می گردد. علاّمه امینی در شمار این افراد بود.

ایشان دارای ابعاد وجودی برجسته ای بود؛ اگر تنها به بعد علمی و پژوهشی ایشان بنگریم، ایشان را عالِمی محقق و پژوهشگری فرزانه می یابیم

۱- علاّمه دوبار در سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ ه . ق به حج مشرّف شد.

۲- نک: فصل پنجم.

و اگر تنها به بعد عبادی و گریه های شبانه ایشان توجه کنیم، علّامه را به عنوان عارف و عابدی زاهد خواهیم شناخت.

علّامه به عبادت و راز و نیاز به درگاه بی نیاز، نمازهای مستحبی و قرآن خواندن بسیار مشتاق بود. نزدیک فجر به نماز شب می ایستاد و پس از آن که نماز صبح را به جای می آورد، یک جزء کامل قرآن را با تدبّر تلاوت می کرد و از محضر قرآن درس ها فرا می گرفت.(۱) نمازهای ایشان نیز ویژگی های خاصی داشت. آیت اللّه سیّد مرتضی نجومی در این باره می گوید:

چه بگویم در مورد فردی که از سر تا پا ربّانی بود. من در حیاتم ندیدم که کسی مثل او نماز بخواند.(۲)

دکتر محمدهادی امینی فرزند علامه در مورد نمازهای آن بزرگوار می گوید:

او نمازش را در اوّل وقت و با حضور قلب به جای می آورد و در قنوت نماز گریه می کرد.(۳)

روح ایشان با آیات قرآن آمیخته بود و این شیفتگی به قرآن، در لابه لای متن الغدیر به چشم می خورد. در ماه مبارک رمضان تمام کارهایشان را تعطیل می کرد و در کربلا یا نجف، به عبادت و اعمال وارد شده آن ماه مشغول می شد. ایشان تا آخر عمر شریفشان، مقیّد بود که در طول ماه رمضان، ۱۵ بار قرآن ختم کند و ثواب ۱۴ ختم قرآن را به امامان معصوم و ثواب یک ختم را

۱- یادنامه، ص ۲۲.

۲- جرعه نوش غدیر، ص ۴۲.

۳- یادنامه، ص ۲۳.

نیز به روح پدر و مادر بزرگوارشان هدیه فرستد.(۱) هم چنین هزار رکعت نماز مستحبی را که در شب های ماه رمضان وارد شده است، به جای می آورد.

علّامه در کتاب ریاض الانس برخی از این گونه نمازها، تعداد ختم قرآن در سال های معین و چگونگی زیارت قبرهای امامان را آورده و به عبادت های وارد شده در آن ها اشاره کرده است.(۲)

۲ _ زهد و تقوا

۲ _ زهد و تقوا

تقوا و دوری جستن از سرمایه دنیایی از نشانه های دانشمند حقیقی است. امام صادق (ع) می فرماید:

کسی که به دنیا بی رغبت باشد و زهد را پیشه خود سازد، خداوند حکمت را در قلبش استوار دارد و زبانش را به آن گویا سازد.(۳)

این نشانه ها در وجود علّامه به خوبی نمایان بود. او مجتهد و فقیه عالی قدری بود که آثار گوناگون و ارزش مندی داشت. به همین دلیل، می توانست زندگی مرفّه و آرامی داشته باشد، ولی هیچ گاه پرهیزگاری را ترک نکرد و به دنیازدگی _ که سرچشمه هر خطا و گناهی است _ دچار نشد. همیشه از زندگی ساده خود راضی و شکرگزار بود و هرگز کالای گران قدر آخرت را به «ثمن بخس» دنیا نفروخت.

از خواندن آیاتی از قرآن که در مذمّت دنیا آمده است، خسته نمی گردید. به درجه های بلند و ماندگار آخرت اطمینان روحی داشت و خانواده،

۱- یادنامه، ص ۲۳.

۲- یادنامه، ص ۲۳.

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۳.

شاگردان و یاران خود را به همین شیوه سفارش می فرمود.(۱)

ایشان با این که ۴۰ سال در نجف اشرف ساکن بود، ولی خانه ای شخصی نداشت؛ خانه ای نیز که در آخر عمر خریده بود، بین علّامه و کتاب خانه مشترک بود.

دکتر جعفر شهیدی درباره زهد علّامه می گوید:

درباره تقوای او باید همین را بگویم که به حقیقت، مصداقی بود از آیه کریمه «یُجاهِدونَ فی سَبیل اللّه وَ لا یَخافُونَ لَوْمَه لائمٍ».(۲)

آیت اللّه موسوی اردبیلی می گوید:

روزی در خدمت مرحوم آیت اللّه العظمی خویی حرکت می کردیم، مطلبی از ایشان پرسیده بودم. وقتی جوابم را گرفتم، می خواستم خداحافظی کنم. فرمود: علّامه امینی از ایران برگشته اند؛ نمی خواهید به دیدن ایشان برویم؟ عرض کردم: امروز روز درس است، اگر اجازه بفرمایید ما روز دیگری می رویم و امروز به درس هایمان می رسیم. فرمود: «مطمئن باشید ثواب زیارت ایشان از ثواب همه این درس ها بیش تر است».(۳)

۳ _ ادب و اخلاق

۳ _ ادب و اخلاق

یکی دیگر از ویژگی های آن مرد بزرگ، حسن اخلاق و ادب اسلامی ایشان بود که در کتاب الغدیر نمایان است. ایشان با منابع و متن هایی سر و کار داشت که برخی از آن ها از جعل، افترا، توهین، فحش و هتک مقدّسات تشیع پُر بود، ولی او در الغدیر هیچ گاه، در پاسخ آن هاسخنی برخلاف ادب اسلامی

۱- یادنامه، ص ۲۲.

۲- حماسه غدیر، ص ۴۸۱.

۳- یادنامه، ص ۷۰.

نمی آورد، بلکه پس از این که با استدلال های عقلی و نقلی، پاسخی قاطع به بیهوده گویی های آنان می داد، نویسندگان این گونه کتاب ها را به وحدت اسلامی فرا می خواند اگر گاهی تعبیرهای تند و عتاب آمیز در الغدیر هست، بدان دلیل است که طرف مقابل بسیار هتاک و بی ادب و «دشمن خونی» شیعه بوده است. از این رو، این عتاب ها نیز جنبه شخصی ندارد، بلکه در دفاع از ناموس بزرگ دین ــ ولایت ــ است. باید دانست علّامه در سرتاسر الغدیر، از عالمان، مفسران و اندیشمندان اهل سنت با تجلیل فراوان یاد می کند.

استاد محمد عبدالغنی حسن مصری از عالمان اهل سنت، با توجه به این ویژگی علّامه، درباره ایشان چنین می سراید:

یَشْتَدُّ فی سَبَبِ الخُصومَهِ لَهجَهً

لکن یَرِقُّ خَلیفَهً و طباعا وَ کذلک العُلَماءُ فی اَخلاقِهم

یتباعدون و یلتقونَ سراعا(۱)

هنگام بحث، لحن او تند می شود. ولی خوی وخلق او بسیار نرم است. اخلاق دانشمندان این گونه است.از هم (به خاطر عقیده) دور می شوند، ولی باز به زودی گِرد هم می آیند.

در نشست هایی که در شهرهای گوناگون تشکیل می شد، ایشان در سخنرانی های خود، به دور از هرگونه تعصب و با زبانی به دور از نیش و کنایه و تهمت و در عینِ حال قاطعانه، حقیقت را بیان می کرد. محمد سعید دحدوح(۲) ــ از عالمان بزرگ حلب ــ در بخشی از نامه اش به علّامه می نویسد:

۱- حماسه غدیر، ص ۲۰۵.

۲- ایشان امام جماعت شهر حلبِ سوریه و از بزرگانِ علمی آن کشور است که با خواندن کتاب الغدیر و دیگر کتاب های شیعی، به مذهب تشیع گروید.

به راستی، شما روش و اخلاقی را از آل محمد صلی الله علیه و آله ارث برده اید که مانند آن را از غیر شما نخواهیم یافت، مگر تعداد قلیلی از پارسایان با اخلاص.(۱)

۴ _ شجاعت

۴ _ شجاعت

علّامه امینی با بهره گیری از آموزه های اخلاقی مولایش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) شجاعت، مردانگی، صراحت بیان و هراس نداشتن از غیر خدا را در خود پرورانده بود که این مسائل از عوامل بسیار مهم در موفقیت علمی و اخلاقی ایشان به ویژه در نوشتن الغدیر است.

علّامه نقل می کند:

هنگامی که به حج بیت اللّه الحرام مشرف شدم، بعد از نماز صبح روز عرفه، به سوی عرفات حرکت کردم. وقتی به صحرای عرفات رسیدم، صحرا پر از جمعیت بود و از کثرت جمعیّت جایی برای نشستن و نصب خیمه نبود، امّا دیدم در گوشه بیابان، جایی خلوت است که مشخص بود مکان ویژه پادشاهان و اشراف عربستان است. به شخصی که وسایل مرا حمل می کرد، گفتم وسایل را به آن مکان ببرد. وسایلم را به آن جا برد و مزد او را پرداختم. وقتی مشغول نصب خیمه بودم، یکی از مأموران با صدای بلند فریاد زد و مرا از نصب خیمه منع کرد، ولی من به او توجهی نکردم. به طرف من آمد و دستم را گرفت تا مانع خیمه زدن در آن جا شود. ایستادم و گفتم: چه می خواهی؟ گفت: نصب خیمه در این مکان ممنوع است. گفتم: چرا؟ گفت: مگر نمی بینی که این جا خیمه های امیر نصب شده است. در این لحظه با صدای بلند و با تعجّب فریاد زدم (تا هرکه داخل خیمه است بشنود): «به امیرت بگو از سرزمین ما بیرون برود؛ این سرزمین بندگان است و برای امرا و رؤسا در این مکان، جایی نیست.»

۱- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۲۱.

مأمور ترسید و رفت تا کلام مرا به امیرش برساند.

وقتی خبر به امیر رسید، فهمید که این فرد، شخصی عادی نیست که چنین شجاعتی دارد. از این رو، دیگر مانع علاّمه نمی شوند و ایشان در آن جا می ماند.(۱)

۵ _ عزم و اراده

۵ _ عزم و اراده

داشتن اراده قوی از شرایط مهم در فعالیت های پژوهشی است. چه بسیار پژوهشگران که وقتی در نیمه راه با مشکلات برخورد کرده اند، دست از کار کشیده اند، ولی هیچ مانعی نتوانست اراده پولادین علاّمه را سست کند.

شیخ رضا امینی، فرزند علاّمه در این باره می گوید:

علاّمه خود را برای همه مشقّت ها آماده ساخت، در برابر واقعیّات تلخ ایستاد، با موانع جنگید و آن ها را تسلیم خود ساخت.(۲)

به راستی، اراده ای آهنین و عشق و علاقه ای سرشار می طلبد تا فردی ۴۰ سال از عمرش را برای نوشتن یک کتاب صرف کند؛ کتابی که به طور معمولی باید چندین پژوهشگر در نگارش آن همکاری می کردند. آیت اللّه عبدالهادی حسینی شیرازی می فرماید:

اگر مؤلف عالی قدر این کتاب (علاّمه امینی) میان ما نبود و نمی دیدیم که او به تنهایی به این عمل بزرگ اقدام نموده اند، جا داشت که گمان شود این کتاب، اثر جمعیتی است که هر کدام، نگارش گوشه ای از آن را به عهده داشتند.(۳)

و شاعر چه زیبا سروده است:

۱- تمام داستان ها و خاطره ها در این نوشتار، بازآفرینی شده اند. ربع القرن مع العلاّمه، ص ۴۶.

۲- یادنامه، ص ۳۰.

۳- ترجمه الغدیر، ج ۹، ص ۱۵.

جمالِ مبهمِ تاریخِ اسلام ز یُمنِ همتش گردید روشن دهد ما را نشان آمار و ارقام

که کار اُمتّی کرده ست یک تن(۱)

۶ _ راست گویی و امانت داری

۶ _ راست گویی و امانت داری

امانت داری، جوهره اصلی در نوشته هایی است که بر پایه نقل بنا نهاده می شود و اگر در این گونه کتاب ها امانت دار نباشیم، آن کتاب ارزش علمی و پژوهشی نخواهد داشت.

علاّمه امینی مصداق برجسته راست گویی و امانت داری است و کسانی را که راست گو نبودند و به نقل های دروغین یا برداشت های موضعی دست می زدند، رسوا می کرد.

علاّمه در تمام پژوهش های خویش به ویژه در کتاب ارزش مند الغدیر این ویژگی را کاملاً رعایت کرده است به گونه ای که تا کتاب و مأخذی را نمی دید مطلبی از آن نقل نمی کرد. مثلاً در کتاب الغدیر، موردی از نقل نامعتبر، خیانت در نقل، دقت نداشتن در نقل قول، اعتماد به نسخه های نامعتبر، برداشت های موضعی و نقل وارونه، دیده نمی شود.

علاّمه برای این که مطلبی را به طور نقل مستقیم در کتابش بیاورد، دشواری های بسیار و سفرهای طولانی را تحمل می کرد و حتی در مواردی که از دست یافتن به مأخذ اصلی ناامید می گشت، به مولا ـ یش علی متوسل می شد و حاجت خود را می گرفت.

داستان زیر نمونه ای از تلاش او در رعایت صدق و امانت داری در پژوهش هایش است. علاّمه نقل می کند:

۱- حماسه غدیر، ص ۵۷۵.

به کتاب تفسیر سوره هل اتی که نوشته یکی از عالمان اهل سنّت است، نیاز داشتم. روزی آن شخص را دیدم و کتابش را از او خواستم و خیلی التماس کردم، ولی او قبول نکرد. گفتم: «پس کتاب را در دست خود بگیر و فقط همان صفحه ای را که لازم دارم به من نشان بده تا ببینم نسبتی که به شما می دهند، درست است یا خیر؛ چون من بنا ندارم از کسی نقل قول کنم و می خواهم خودِ عبارت را ببینم». باز آن شخص قبول نکرد.

همان هفته به کربلا رفتم و یکی از دوستان قدیمی ام را در آن جا دیدم. گفت: «شما شب جمعه می آمدید، الآن وسط هفته چه شده است که به کربلا آمده اید؟» گفتم: «دلم گرفته بود، آمدم کربلا و به کتابی نیاز دارم.» گفت: «به منزل ما بیا. پدرم کتاب خانه ای داشت و گفت اگر خواستی کتاب ها را بفروشی، مانعی ندارد. البته یک صندوق کتاب بود که گفت: «این را نفروش؛ این حتما رمزی دارد.» آن صندوقچه را در اختیار تو می گذارم، اگر کتاب مفیدی پیدا کردی، از آن استفاده کن». پیش از صرف ناهار گفتم: «اول صندوقچه را بیاور.» وقتی صندوقچه را آورد، دیدم ۵ جلد کتاب در آن است؛ دو جلد آن همان تفسیر سوره هل اتی بود و سه جلد دیگر، کتاب هایی بود که بعدها مورد نیاز شد.(۱)

هم چنین ایشان به فرزندش سفارش می کند:

واجب است امانت را در تألیف رعایت کنی؛ هر چیزی خواستی نقل کنی، همان گونه نقل کن که نوشته شده است و از تصرف در کتب تاریخی بپرهیز.(۲)

۱- یادنامه، ص ۱۴۶.

۲- ربع قرن مع العلّامه، ص ۲۷۰.

۷ _ پشتکار علمی

۷ _ پشتکار علمی

علاّمه امینی، مجاهدی خستگی ناپذیر در خدمت به دین و اهل بیت (ع)بود. ولی در طول عمر، با کتاب و کتاب خانه انس گرفته و تمامی لذت های زندگی دنیوی را ترک کرده بود.

سال های سال گذشت و علاّمه برای غذای خود، اهمیتی قائل نمی شد و قوت روزانه اش را تناول نمی کرد، مگر بعد از نداهای خسته کننده کسانی که در انتظار او سر سفره نشسته بودند. شوق او به تألیف باعث می شد که به کارهای دیگر توجه نکند.(۱)

پس از صرف صبحانه، به کتاب خانه ویژه خود می رفت و تا وقتی که شاگردانش می آمدند، مطالعه می کرد. پس از تدریس و خوردن ناهار نیز یک ساعت استراحت می کرد. سپس تا نیمه های شب، به مطالعه و نوشتن می پرداخت.

علاّمه امینی در فقه، اصول، تفسیر، حدیث، تاریخ و رجال، صاحب نظر بود و «خصوصا در علم فقهِ تاریخ، از همه محققان، گوی سبقت را ربود».(۲) چنان که از ایشان به عنوان «فقیه تاریخ» یاد می کنند، مانند ابن خلدون که به «فیلسوف تاریخ» معروف است.(۳)

آیت اللّه سیداحمد اشکوری در مورد پشتکار علاّمه، داستان زیر را نقل می کند:

آیت اللّه کاشف الغطا کتاب خانه ای داشت که رو به آفتاب بود و درهای آن که به حیاط باز می شد، همگی از شیشه بود و مانع تابیدن آفتاب

۱- یادنامه، ص ۳۴.

۲- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳- حماسه غدیر، ص ۱۹۳.

نمی شـد و این در گرمـای سوزان نجف بسـیار طـاقت فرسـا بود. در آن جـا، فرش هـایی از لیف خرما به نام کُمبار درست می کردند که به سادگی از بین نمی رفت. مرحوم امینی به آن جا می رفت و بدون هیچ وسیله خنک کننده ای، روی این کمبارها می نشست و به مطالعه می پرداخت. گاهی تا ۴ ساعت مطالعه می کرد، به گونه ای که وقتی از جا بلند می شد، تمام جای پای ایشان، از عرق تر می شد، ولی او این گرما را تحمل می کرد برای این که کاری انجام دهد.(۱)

ایشان تنها در نگارش الغدیر، ده هزار کتاب به طور کامل خوانده بود و به صد هزار کتاب، مراجعه های پی در پی داشت(۲) و به طور میانگین، روزی ۱۶ ساعت برای نوشتن الغدیر، به پژوهش می پرداخت.(۳)

به گفته فرزنـدشان، علامه در مـدت نوشـتن الغدیر، زمانی خوشـحال می شد که به کتاب مورد نیازشان، دست می یافت یا می توانست اسـناد احادیث نبوی را که مورد استشهادشان بود، تصحیح کند یا شرح حال صحابی یا محدّث مجهولی را بیابد و سند حدیث مرسلی را بجوید. گاهی برای پی بردن به شـرح حال راویان یا سـند حدیثی نبوی یا تصـحیح واژه های آن، بیش از ۱۰ شبانه روز وقت صرف می کرد.(۴) اگر به کتابی تازه دست می یافت، تا تمام نمی کرد، از آن دست بر نمی داشت.

دکتر سیدجعفر شهیدی می نویسد:

سال ۱۳۲۶ شمسی، راجه محمودآباد ـ از بزرگان هند ـ برای زیارت به نجف

۱- یادنامه، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۲- جرعه نوش غدیر، ص ۱۵۴.

۳- ربع قرن مع العلّامه، ص ۳۹.

۴- حماسه غدیر، صص ۴۸۰ ـ ۴۸۱.

آمـد. مردی روحانی به نام مولوی سـبطُ الحسن همراه ایشان بود که کتاب خانه راجه را اداره می کرد. قرار شـد با هم به دیدن علاّـمه امینی برویم. سـبط الحسن، کتـابی در تاریـخ کتـاب خانه های شـیعه نوشـته بود و می خواست مرحوم امینی نامی بر آن بگذارد. اندکی بعد از مغرب به خانه علاّمه امینی رفتیم. سـبط الحسن کتاب را به او داد. کتاب در حدود ۳۰۰ صفحه و به زبان اردو بود، ولی مؤلف گـاه گاه عبارت هایی به عربی یا فارسـی یا نام کتاب هایی را به عربی یا فارسـی در متن و حاشـیه نوشـته بود. مرحوم امینی اردو نمی دانست؛ کتاب را از سـبط الحسن گرفت و به خواندن عبارت های عربی و فارسی آن پرداخت. دو ساعت و نیم یا سه ساعت از شب می گذشت که علاّمه به آخر کتاب رسید و آن را بر زمین گذاشت؛ یعنی تا تمام آن عبارت ها و نام کتاب ها را به دقت نخواند، کتاب را رها نکرد!

عشق به کتـاب و تحقیق در تار و پود علاّمه عجین شـده بود. به خاطر همین، کم تر در مجالسِ عمومی دیـده می شـد و روز و شب به خواندن و نوشتن می پرداخت.(۱)

یکی از ویژگی های علاّمه، سـرعت در مطالعه و مهارت در پیدا کردن مطلب مورد نیاز بود. با این ویژگی های برجسـته و کار خسـتگی ناپذیر، نوشتن الغدیر ۴۰ سـال طول کشـید. البته آن چه گفته شـد، تنهـا گوشه هایی از تلاش پیوسـته این مرد بزرگ است.

۸ _ قدرت خطابه

۸ _ قدرت خطابه

خطابه و سـخنرانی، از موهبت های خداونـدی به علاّمه بود؛ حافظه قوی، سـیمای با هیبت و صـدای رسایی داشت و با اندوخته های فراوان علمی شان

۱- حماسه غدیر، ص ۴۸۰.

«شگفتی زا نبود اگر ده ها هزار نفر را گرد آورد و تحت تأثیر قرار دهد».(۱)

هنگام سخن گفتن، روح آدمی را جلا- می بخشید و بیش ترین تلاشش این بود که به هر بیان و زبانی که شده، از ناموس بزرگ الهی ــ ولایت ــ دفاع کند. سخنرانی هایش مانند سیدجمال الدین اسدآبادی بود؛(۲) «چون به سخن او گوش فرا می دادی، می گفتی قرن های اسلامی، دهان گشوده اند تا با تو سخن گویند».(۳)

به هر شهری که سفر می کرد، با سخنانش، مردم را از چشمه زلال معرفت و دانش خویش سیراب می ساخت. مثلاً در هند، بیش از ده هزار نفر در جلسه سخنرانی او که گاهی تا ۲ ساعت به طول می انجامید، شرکت می کردند و آن عالم وارسته، آنان را به وحدت و برادریِ اسلامی زیر پرچم سبز اهل بیت (ع)، فرا می خواند.

استاد حکیمی می گوید:

در تابستان سال ۱۳۳۸ شمسی که علاّمه در مشهد بود، به درخواست مردم، مجلسی بزرگ و تاریخی در مدرسه نواب برپا شد. چون منبر آغاز می گشت، سیل جمعیت ــ به معنای راستین این تعبیر ــ به سوی مجلس سرازیر می شد. شب های آخر، پس از پُر شدن مدرسه و اتاق های بالا، عده ای از مردم بر بام بلند مدرسه بالا می رفتند.(۴)

۱- حماسه غدیر، ص ۳۴۱.

۲- حماسه غدیر، ص ۳۴۱.

۳- حماسه غدیر، ص ۳۴۱.

۴- حماسه غدیر، صص ۳۴۱، ۳۴۲ ــ ۳۴۳.

۹ _ عشق به اهل بیت (ع)

۹ _ عشق به اهل بیت (ع)

مهم ترین ویژگی علاّمه امینی را باید عشق و محبت کامل وی به خاندان عصمت و طهارت (ع) دانست و هنوز صدای گریه ها و توسّل ایشان در حرم امیرالمؤمنین علی (ع)، طنین انداز است. او به امامان معصوم (ع)بسیار متوسل می شد و هیچ گاه زیارت عتبات عالیات را ترک نمی کرد و هنگام ورود به حرم امامان (ع)، با صـدای بلنـد می گریست. گریه ها و ناله هایش در رثای اهـل بیت (ع)، همگـان را دگرگون می کرد. این حـالت هنگـامی بیش تر اوج می گرفت که از مصـیبت حضـرت فـاطمه زهرا علیهاالسلام یاد می شد؛ در این حال چهره اش سرخ و گونه هایش افروخته می گشت.(۱)

آیت اللّه نجومی می گوید:

در ایام عاشورا و فاطمیه حالش متغیر می شد و با صدای بلند می گریست. کم تر عالمی را دیدم که این گونه بگرید.(۲)

زیـارت جـامعه کبیره را حفظ بود و پیوسـته زیارت امین اللّه را می خوانـد و زیارتشان بیش از یک ساعت طول می کشـید.(۳) زیـارت کربلا را در شب های جمعه ترک نمی کرد. گاه مسافتِ ۷۸ کیلومتری نجف _ کربلا را به همراه دوستانشان در مدت ۳ روز یا بیش تر با پای پیاده می پیمود و در طول راه، مردم روستاهای اطراف را ارشاد می کرد.

تمـام همّتش این بود که علی (ع) و خانـدانش را به مردم معرفی کنـد تا زیر پرچم سبز علوی، با پیروی از اسـلام ناب محمـدی صلی الله علیه و آله رستگار شوند. او به

۱- حماسه غدیر، ص ۲۹۸.
۲- ربع قرن مع العلاّمه، ص ۲۸۱.
۳- ربع قرن مع العلاّمه، ص ۲۸۱.

راستی، مظلومیت علی (ع) را دریافته بود. از این رو، بسیار بر آن گریه می کرد. در آخرین روزهای عمرش، وقتی از او پرسیدند: چه آرزویی دارید؟ گفت:

من فقط یک آرزو دارم و آن این که خدا به من یک عمر طولانی بدهد و من در این عمر از همه کنار گرفته و در گوشه بیابانی چادر بزنم و آن جا ساکن شوم و تا آخر عمر بر مظلومیت علی (ع) گریه کنم!

اساسا باز گشت علاّمه به نجف پس از ۲ سال سکونت در تبریز، تنها به دلیل عشق او به امامان معصوم (ع)، به ویژه امیرالمؤمنین علی (ع) بود؛ زیرا با توجه به شناخت مردم تبریز از او و پدرانش و نیز مقام علمی ــ اخلاقی علاّمه، وی می توانست بدون هیچ مشکل مالی و اقتصادی در آن جا بماند، ولی عشق شدید او به ولایت، آن عاشق شوریده را به سوی معشوق کشاند.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در این زمینه می گوید:

از خصوصیات علاّمه، محبّت و ارادت کامل به محمّد و آل محمد (ع)، زبانزد همه است و می توان گفت الغدیر اثری از آثار آن محبت ها است. به خاطر همین علاقه به اهل بیت (ع) است که ایشان علاقه خاصی به شنیدن مصایب امام حسین و اصحابش دارند و به حقیقت می توان گفت مجلسی که ایشان در آن مجلس حاضر است و ذکر مصیبت آل محمد می شود، گویا یکی از آل محمد (ع) در آن مجلس حاضر می باشد.(۱)

۱۰ ــ شناخت عنصر زمان

۱۰ ــ شناخت عنصر زمان

علاّمه به شناخت زمان و برهه خاص جهان توجّه داشت و با خشک اندیشی دینی و دور بودن از واقعیت های معاصر مخالفت می کرد. وی می فرمود:

۱- جرعه نوش غدیر، ص ۸۴.

اگر من مرجع بودم و وجوهات شرعی به دست من می رسید، همه را به طلاب می دادم تا سفر کنند؛ می گفتم: این هزینه! بروید و جهان و انسان را بشناسید.(۱)

علّامه با جریان های فکری، فلسفی، سیاسی و اجتماعی معاصر آشنا بود و می دید که دشمنان چگونه اسلام را تهدید می کنند. به همین دلیل: می گفت باید از گنجینه های اسلام و تشیّع به بهترین روش پاسداری شود. او همه را به مبارزه و عمل به رسالت و وظیفه فرا می خواند و معتقد بود در غیر این صورت، «شعله های حماسه تشیع فروکش می کند و شیعه _ که جریان اصیل اسلام است _ در برابر استعمار جهانیِ امپریالیسم و ضربات استعمار یهود، قدرت تعهّد و مقاومت را از دست می دهد».(۲)

۱۱ _ کمک به نیازمندان

۱۱ _ کمک به نیازمندان

ایشان با وجود آن همه مشغله فکری، هیچ گاه مسئولیّت اجتماعی خویش را فراموش نکرد، بلکه بسیار نیکوکار و بخشنده بود. به گونه ای که «هیچ سائلی را رد نمی کرد و هیچ آرزومندی را ناامید نمی ساخت، بلکه خود را به زحمت می انداخت تا مشکل فقیر و نیازمندی را حل کند».(۳) هم چنین از اوضاع و احوال نیازمندان پرس و جو می کرد و با مشکلات آن ها آشنا می شد و در صدد رفع حاجت های آنان بر می آمد. علّامه می گوید:

روزی برای خرید به بازار رفتم و می خواستم گوشت تهیه کنم. در کنار مغازه قصابی، دکان یک سیّد ضعیفی بود. وقتی سیّد، مرا دید نزد من آمد

۱- حماسه غدیر، ص ۲۸۵.

۲- حماسه غدیر، ص ۲۹۴.

۳- یادنامه، ص ۲۳.

و خواست مشکل خودش را بیان کند، ولی چون طلبه ها گِرد مرا گرفته بودند، از بیان مشکلش خودداری کرد. وقتی به خانه برگشتم، یادم افتاد که گویا آن سیّد مشکلی داشت و نتوانست مطرح کند. به سراغ او رفتم. وقتی داخل مغازه سید شدم، گفت: غیر از این عبا لباس دیگری ندارم و دخترانم فقط یک چادر دارند و لباس دیگری ندارند.

وقتی گفتار سیّد را شنیدم، گفتم: کجایند سرمایه داران و صاحبان حقوق شرعی! سپس دست او را گرفتم تا او را به خدمت امیرالمؤمنین علی (ع) ببرم و از کسانی که حقوق شرعی را نمی پردازند، شکایت کنم.

هنوز به در صحن نرسیده بودم که یک نفر آمد و سی دینار به من داد که در آن زمان برای زندگی یک سال یک خانواده کافی بود و گفت: «این را یکی از عشایر داده تا به شما بدهم». من آن مبلغ را به آن سیّد دادم و گفتم: «بگیر که این حواله جدّت امیرالمؤمنین است». سیّد آن مبلغ را گرفت و با خوشحالی برگشت.(۱)

فصل چهارم: دیدگاه ها و آرمان ها

اشاره

فصل چهارم: دیدگاه ها و آرمان ها

در این فصل، به دیدگاه ها و آرمان های علاّمه امینی می پردازیم.

۱ _ خانه نویسندگان

۱ _ خانه نویسندگان

روحیّه دانش پژوهی علاّمه و دشواری هایی که در کار نگارش و پژوهش کشیده بود، او را به فکر پایه گذاری «خانه نویسندگان» انداخت؛ مکانی برای پژوهشگران رشته های گوناگون با تجهیزات فراوان تا با تلاش علمی، اسلام و تشیّع را به جهانیان بشناسانند. البته این فکر در زمان علاّمه عملی نگشت.

علاّمه درباره تأسیس خانه نویسندگان می فرمود:

۱- ربع قرن مع العلاّمه، صص ۵۲ _ ۵۳.

در کنـار کتاب خانه امیرالمؤمنین در نجف، محلی زیبا و بهـداشتی و مـدرن و مجهزّ به همه وسایل ساخته شود با اتاق هایی که هریک در اختیار محقق و نویسنده ای قرار گیرد و همه گونه نیازمندی های شخصیِ محقق تأمین گردد.

... وقتی مؤلّفی بـا چنین شـرایطی به تألیفی دست زد که مناسب حوزه کارِ کتاب خانه بود، کتاب خانه خود به چاپ و نشـر آن اثر اقدام می کند.(۱)

۲ _ بررسی نشریه های جهانی درباره اسلام

۲ _ بررسی نشریه های جهانی درباره اسلام

مؤسسه ها و مراکز پژوهشی بسیاری، از سالیان پیش ایجاد گشته اند و در زمینه دین، فرهنگ و تمدن اسلامی تحقیق می کنند. در این میـان، بیگانگـان بـا هـدف تنش آفرینی میـان فرقه هـای اسـلامی، مطـالبی غیرواقعی و تحریف شـده را به نام اسـلام در دسترس مردم قرار می دهند.

یکی از آرزوهای علاّمه امینی، رسیدگی به این گونه نوشته ها بود. وی می کوشید با این کار، حق اسلام و مسلمانان را ادا کند و از روی اشتباه های _ با انگیزه یا بی انگیزه _ خاورشناسان، پرده بردارد. علاّمه در این باره می گوید:

[بایـد] گروهی از طلاب و دانشـجویان فاضل و با اسـتعداد، در زمینه علوم و فرهنگ اسـلامی، تا مرتبه اجتهاد و تحقیق، تربیت شونـد. آن گـاه مرکزی بـا وسایل کافی و کتاب خانه مجهّز برای آن ها تهیه شود. از سوی دیگر پیوسـته با مراکز علمی جهان، در ارتباط باشـند و در هر گوشه جهان (دانشگاه، مؤسسه تحقیقاتی، کتاب و مقاله) که سـخنی درباره اسلام و تشیع منتشر می شود، به دست آید و در اختیار گروه های ویژه هر رشته

۱- حماسه غدیر، صص ۲۲۶ _ ۲۲۷.

گذارده شود. پس از آن که نشریه ها رسیدگی شدند و اشکال ها و اشتباهات و مدرک آن ها، برداشت شد، گروه باید پاسخ آن را برای شخص یا مرکز مربوطه بفرستد... اگر آن شخص یا مرکز ترتیب اثر نداد، گروه باید توضیحات را در سطح جهان منتشر سازد.(۱)

این طرح ارزش مند می تواند تمدن اسلامی را از هجوم همه جانبه دشمن، نگاه دارد.

۳ _ آیین نقابت

۳ _ آیین نقابت

یکی از آرمان های والای علاّمه امینی، زنده کردن دوباره آیین نقابت بود. نقابت به اداره کردن شئونِ گوناگون زندگی سادات و مراقبت زندگی فردی و اجتماعی آنان گفته می شود که برای حفظ جایگاه اجتماعی ایشان از نظر انتساب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت می گیرد.(۲)

به طور کلی، احترام گزاردن به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس آیاتِ قرآن و احادیث، امری بس ارزش مند و خطیر است و مسلمانان به برکت پیامبر صلی الله علیه و آله و زحمت های ایشان، هدایت یافتند و در مسیر رستگاری قرار گرفتند. از این رو، شایسته است در پاسخ به آن همه از خود گذشتگی پیامبر صلی الله علیه و آله ، پس از رحلت ایشان به خاندانش احترام بگزارند و آنان را عزیز بدارند.

در روزگاران قدیم، آیین نقابت و رسیدگی به وضع فردی _ اجتماعی سادات، از شئون اجتماعی کشورهای اسلامی بود و همواره بزرگ ترینِ سادات زمان که عالمی بزرگوار نیز بود، به مقام نقابت برگزیده می شد. هرچند این آیین در کشورهای اسلامی کم رنگ شده بود، ولی علاّمه به احیای

۱- حماسه غدیر، ص ۲۶۱.

۲- حماسه غدیر، ص ۲۷۱.

آن، اعتقاد کامل داشت و این اعتقاد از ایمان عمیق و احترام عظیمی که به سادات و آل محمد صلی الله علیه و آله داشت،(۱) سرچشمه می گرفت.

۴ _ علّامه امینی و حوزه

۴ _ علّامه امینی و حوزه

ایشان با نگاهی فراتر از عصر خود، به جهان و جهانیان می نگریست و می دانست که در آینده، مسأله «ولایت» نه تنها در میان مسلمانان، بلکه در بین نامسلمانان نیز مطرح خواهد شد. در نتیجه، از این که بحث «ولایت» در میان شیعیان به ویژه در حوزه های علمیه کم تر بررسی می شود، ناراحت بود.

او معتقد بود بحث ولایت و مسائل مربوط به آن، باید مانند درس های ادبی منطقی، فقهی و فلسفی، در حوزه های علمیه تدریس شود تا بدین وسیله، مردم از «روح قرآن» بهره مند شوند.

علّامه در این زمینه می فرمود:

باید درسی تحت عنوان «ولایت» غیر از آن چه که در تدریس علم کلام و اعتقادات مطرح می شود، به طلاب آموزش داده شود.(۲)

«ولایت»، شناختِ واقعی و تحلیلیِ مقام امامان معصوم (ع) و پی بردن به شخصیّت تاریخی و آموزه های اسلامی ایشان است و این که چگونه و چرا آنان در اسلام حکومت و مولویّت دارند. به دلیل همین معنای عمیق ولایت بود که علّامه با گله مندی می پرسد. «چرا در حوزه های روحانی، مسأله ولایت و تاریخ تشیّع مطرح نیست؟»(۳)

۱- حماسه غدیر، ص ۲۸۲.

۲- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۳۴.

۳- حماسه غدیر، ص ۲۸۳.

۵ _ وحدت مسلمانان

۵ _ وحدت مسلمانان

وحدت و یکپارچکیِ مسلمانان، آرزوی قلبی علاّمه بود و امید داشت روزی صف های پراکنده ملت های مسلمان، در یک صف واحد گردهم آیند.

می دانید که درباره وحدت میان فرقه های اسلامی به ویژه شیعه و سنی، دیدگاه های افراطی و تفریطی وجود دارد، ولی علاّمه به آن نظرها باور نداشت، بلکه معتقد بود شیعه باید با بحث های استدلالی، بر اساس قرآن و روایت و تاریخ صحیح اهل سنت و کتاب های معتبر شیعی (از نظر اهل سنت)، مسیر وحدت اسلامی را هموار سازد.

از دیدگاه علاّمه، اهل سنت باید توجه کند که شیعه، جریان اصلی اسلام و به تعبیری خود اسلام است، نه فرقه ای بدعت گزار که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایجاد شده باشد.

ایشان در سخنرانی ها، مذاکره های علمی و سراسر کتاب الغدیر، بارها تأکید می کند که خواهان وحدت گروه های اسلامی است. او حتی با انتقاد از کتاب هایی که وحدت مسلمانان را سست می کند، می نویسد:

آیا هیچ تبلیغی برای ایجاد شکاف بین صفوف مسلمین و پارگی جمعشان و فساد در نظم اجتماعی شان و از بین بردن وحدت عربی شان و گسستن رشته برادری اسلامی شان و برانگیختن کینه های نهفته شان و به هیجان آوردن آتش بدبینی در نفوس ملل اسلامی و دمیدن در آتش عداوت بین فرق اسلامی، نیرومندتر از این کتب می تواند وجود داشته باشد؟(۱)

علاّمه امینی نمی خواست با نوشتن الغدیر، شیعه و سنی را از هم دور کند، بلکه وی تهمت های ناروایی را که به شیعه نسبت داده می شد و اهل سنت را

۱- ترجمه الغدیر، ج ۶، ص ۱۹۶.

از نزدیکی به شیعه باز می داشت، با استدلال و منطق قوی، رد کرد و امیرالمؤمنین علی (ع) را که همه ملت های مسلمان و نامسلمان، با پیروی از او می توانند به خوش بختی دنیا و آخرت برسند، به همگان شناساند.

تلاش های علاّمه در نزدیک کردن دو فرقه بزرگ اسلامی بسیار سودمند بود چنان که اندیشمندان و روشن فکرانِ اهل سنّت، با فرستادن نامه هایی بیان داشتند که علاّمه امینی راه را برای نزدیکی شیعه و سنی هموار کرده است.(۱)

فصل پنجم: آثار علمی

اشاره

فصل پنجم: آثار علمی

تلاش های نگارشی صاحب الغدیر را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱ _ استنساخ

۲ _ نوشته ها

۱ _ استنساخ

۱ _ استنساخ

یکی از کارهای علمی علاّمه امینی، جست و جوی کتاب های مفید و شناختن نسخه ها و نسخه برداری از آن ها بود. اهمیّت این نسخه برداری ها از این جهت است که کتاب های کم یاب یا گم شده را حفظ می کند و آن ها را به دیگران می شناساند. اهمیت نسخه برداری های علاّمه هنگامی بهتر فهمیده می شود که بدانیم بیش تر این کتاب ها، قدیمی، مشکل و دیرخوان بوده اند که در گوشه های کتاب خانه ها مانده بوده و کسی به آن ها اهمیتی نمی داد. علامه تنها در سفر به هند که نزدیک به ۴ ماه طول کشید، در کنار مشغله های فراوان

۱- درباره الغدیر، بحث وحدت اسلامی و نیز دیدگاه های بزرگان اهل سنت در این مورد، در فصل هاآینده بحث می کنیم.

فکری و علمی، بازدیدها و سخنرانی های متعدد توانست حدود ۲۵۰۰ صفحه به دست خود رونویسی کند.(۱)

برخی از کتاب های معروف و متن های اصلی که علاّمه به دست خود نسخه برداری کرده است، عبارتند از:(۲)

۱ _ الأمالی، شیخ صدوق؛

۲ _ دعائم الاسلام فی معرفه الحلال و الحرام و القضایا و الاحکام، قاضی نعمان؛

۳ _ المزار الکبیر، شیخ ابی عبداللّه مشهدی حایری؛

۴ _ ایضاح دقائق النواصب، فقیه قمی؛

۵ _ الطرف، رضی الدین حسینی حلی؛

۶ _ الیقین فی إمره امیرالمؤمنین، رضی الدین حسینی حلی؛

۷ _ خصائص الائمه، شریف رضی موسوی بغدادی؛

۸ _ السقیفه، سلیم بن قیس هلالی؛

۹ _ المسائل الاربعون الکلامیه، شهید اول؛

۱۰ _ جمل الآداب، علاّمه سماوی؛(۳)

۲ _ نوشته ها

۲ _ نوشته ها

پشت کار علمی، تلاش شبانه روزی و برخورداری علاّمه امینی از اطلاعات گسترده اسلامی سبب شد وی گام های جاودانه ای بردارد و آثاری از خود برجای بگذارد که هرکدام اهمیت بسیاری دارند. حتی برخی از این کتاب ها

۱- حماسه غدیر، ص ۳۲۹.

۲- ربع قرن مع العلاّمه، صص ۳۲ _ ۳۳.

۳- برای آشنایی بیش تر با این نسخه برداری ها، نک: یادنامه علاّمه امینی، صص ۲۴ _ ۲۵ و ۳۸ _ ۳۹؛ کتاب ربع قرن مع العلاّمه، صص ۳۲ _ ۳۳.

مانند: الغدیر، شهداء الفضیله و سیرتنا و سنتنا، در موضوع خود کم مانند یا بی مانند هستند.

نوشته های علّامه عبارتند از:

۱ _ تفسیر فاتحه الکتاب؛ کتابی است در تفسیر سوره حمد که در دو فصل تنظیم شده است.

علّامه این تفسیر را در دو سال سکونت در تبریز، برای مردم آن شهر بیان کرده است. این کتاب که نخستین اثر ایشان است، در سال ۱۳۹۵ ه . ق در تهران به چاپ رسید.

۲ _ تعلیقه بر کتاب رسائل شیخ انصاری (چاپ نشده).

۳ _ تعلیقه بر کتاب مکاسب شیخ انصاری (چاپ نشده).

۴ _ المقاصد العلیه فی المطالب السنیه (چاپ نشده): در این کتاب، در تفسیر برخی آیه های قرآن، بحث های گسترده ای صورت گرفته است.

۵ _ ادب الزائر لمن یمم الحائر: رساله ای است کوتاه درباره آداب و اعمال مستحبی که سزاوار است در آستان مقدس امام حسین (ع) انجام گیرد. این نوشته در سال ۱۳۶۲ ه . ق در نجف اشرف چاپ شده است.

۶ _ تحقیق کتاب کامل الزیارات: کتاب کامل الزیارات اثر ارزش مند فقیه بزرگوار شیعه، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (وفات ۳۶۷ ه . ق) است که علّامه آن را بررسی کرده است. این کتاب نیز در سال ۱۳۵۶ ه . ق در نجف اشرف به چاپ رسید.

۷ _ اعلام الانام فی معرفه المَلِکِ العلّام: این کتاب درباره توحید و به زبان فارسی نگاشته شده است. (چاپ نشده).

۸ _ رساله ای درباره کتاب سُلَیم بن قیس هلالی (چاپ نشده).

۹ _ رساله ای در بیان حقیقت زیارات (چاپ نشده)

۱۰ _ رساله ای درباره نیت (چاپ نشده).

۱۱ _ رساله ای در علم درایهُ الحدیث (چاپ نشده).

۱۲ _ رجال آذربایجان: این کتاب شرح زندگانی ۲۳۴ نفر از دانشمندان، ادیبان و شاعرانِ آذربایجان است که به ترتیب حروف الفبا نوشته شده است. نخستین آن ها، میرزا ابراهیم بن ابوالفتوح زنجانی و آخرین شان، عزالدین یوسف بن حسن تبریزی حلاوی است.

۱۳ _ ثمرات الاسفار: این کتاب دو جلد دارد؛ جلد اول، گلچینی از مطالبی است که علّامه امینی در کتاب خانه های هند برای نگارش الغدیر مطالعه کرده و جلد دوم، گزیده ای است از کتاب هایی که در کتاب خانه های سوریه خوانده است.

۱۴ _ ریاض الانس: این کتاب نیز در ۲ جلد نوشته شده است. جلد اوّل، آثار فکری _ شعر و نثر به فارسی و عربی _ شاعران برجسته و برخی رویدادهای مهم تاریخی را در بر دارد و جلد دوم، گلچینی از تفسیر، حدیث، تاریخ و دیدگاه هاست.

۱۵ _ العتره الطاهره فی الکتاب الغدیر (الآیات النازله فی آل بیت النبی (ع)): در این کتاب، آیه هایی که در شأن امام علی (ع) و خاندان او، نازل شده، آمده و به نصوص عالمان تفسیر، حدیث و کلام در هر مورد اشاره گردیده است.

۱۶ _ سیرتنا و سنتنا: این کتاب، از آثار مهم علّامه به شمار می رود که در واقع، پاسخی است به مسأله ای که در شهر حلب در زمینه عقاید شیعیان از ایشان پرسیده اند.

علّامه درباره انگیزه نوشتن این اثر در مقدمه کتاب می نویسد:

در سال ۱۳۸۴ ه . ق، با هدف استفاده از کتاب خانه های سوریه، به آن

کشور سفر کردم. روزی شیخ محمدسعید دحدوح _ امام جماعت مسجد نوحیه _ نزد من آمد و با هم به کتاب خانه دارالکتب الوطنیه رفتیم. در این هنگام، استاد جسیم بسیم داخل شد و پرسید: «من معتقدم شیعه در دوست داشتن اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار غلو می کند؛ همه مسلمانان دوست دار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و علی (ع) هستند و ما هم دوست دار اهل بیت صلی الله علیه و آله هستیم، ولی نمی دانم این عزاداری های شما در عزای امام حسین (ع) برای چیست؟ چرا شما شیعیان، حسین حسین می گویید؟! چرا خاک کربلا برای شما مقدس است! و چرا به سجده بر خاک کربلا ملتزم هستید؟»

برای پاسخ دادن به این شبهه و به درخواست برخی برادران دینی، تصمیم گرفتم با نگارش این اثر، امّت اسلامی را به سوی حقیقت رهنمون گردانم تا پرده نادانی از روی حقیقت کنار رَود.(۱)

علّامه در این کتاب، با استناد به احادیث اهل سنت، به همه پرسش های یاد شده، پاسخ هایی متین داده است.

شیخ رضا امینی، فرزند علّامه در مورد تأثیرگذاری این کتابِ متین بر دل های مردم حتی اهل سنّت، می گوید:

در یکی از مسافرت هایم به مصر، روزی در یک جمع که همه از علمای اهل سنت بودند، در مورد سجده بر تربت سیدالشهدا بحث شد. من در جواب، مطالب آخر کتاب سیرتنا و سنتنا را برایشان خواندم. پس از شنیدن این مطالب، دیدم قطرات اشک از چشمان آنان سرازیر شد و با حال گریه از من تقاضا کردند که اگر از تربت سیدالشهدا به همراه داری، می خواهیم زیارت کنیم. من تربتی به همراه داشتم؛ به آن ها دادم، همه آن را زیارت کرده و به چشم خود می مالیدند و تأثیر عجیبی در آن ها

۱- سیرتنا و سنتنا، صص ۳ _ ۴.

گذاشته بود.(۱)

این کتاب در سال ۱۳۸۴ ه . ق در نجف و در ۱۳۸۶ در تهران چاپ شده است.

۱۷ _ شهداءُ الفضیله:(۲) کتابی است که در نوع خود تا آن زمان بی مانند بوده و علّامه با ذهن خلاقّش به نوشتن آن پرداخته است.

در این کتاب، زندگی نامه ۱۳۰ نفر از عالمان، فقیهان و دانشمندان شیعه از قرن ۴ هجری تا زمان نویسنده، گردآوری شده است. ویژگی این بزرگان در این است که همگی در راه دفاع از اسلام و تشیع، جام شهادت را نوشیده و با خون سرخشان، پایداری اسلام را امضا کرده اند.

این کتاب در واقع، پاسخ به شبهه هایی بود که فردی به نام موسی جاراللّه در مورد شیعه مطرح کرده بود؛ شبهه هایی مانند این که شیعه، اصولِ اعتقادی منطقی ندارد؛ کتابی درباره اسلام در شیعه نیست و شیعه در راه اسلام، شهیدی نداده است.

آیت اللّه کاشفُ الغطا، کتاب اصل الشیعه و اصولُها را در پاسخ به شبهه اول؛ علّامه آقا بزرگ تهرانی، کتابِ الذریعه را در پاسخ شبهه دوم و علّامه امینی، شهداءُ الفضیله را در مورد شبهه سوم نگاشتند.

آیت اللّه سیّد ابوالحسن اصفهانی، مرجع بزرگ شیعیان، در تقریظی بر این کتاب می نویسد:

کتاب ارجمند شهیدان راه فضیلت را با توجه نگریستم و دیدم با حُسن ظنّی که به مؤلّف امینش _ علاّمه امینی _ دارم، مطابقت دارد. این پرچم دار

۱- جرعه نوش غدیر، ص ۶۰.

۲- این کتاب را آقای جلال الدین فارسی به پارسی برگردانده است.

دانش و ادب و قهرمـان جنبش فکری اسـلامی، همان گونه است که زیبنـده دانش، فضـیلت، رأی و بصـیرت است.... ایشان در گردآوری افتخارات شـهیدان راه فضـیلت _ آن رادمردان والامرتبه _ با ابـداع و ابتکار جالبش بر نویسـندگان متقدم و معاصـر پیشی جسته است.(۱)

هم چنین آیت اللّه شیخ محمدحسین غروی اصفهانی در این باره می نویسد:

از مطالعه شـهیدان راه فضیلت و آن مایه از علم و تاریخ صحیح و تتبع و بررسی موشکافانه و امانتِ نقل که در آن نهفته است، پی بردم که مؤلّفش حایز این دو امتیاز است: هم حسن انتخاب دارد و هم حسن ترتیب و بیان.(۲)

۱۸ _ الغدیر

برای آشـنایی بیش تر بـا این شاهکـار علمی که دست آورد یـک عمر تلاـش شبانه روزی علاّمه امینی است، بحث را در چند موضوع پی می گیریم.

موضوع شناسی الغدیر

نام اصـلی کتاب، الغـدیر فی الکتابِ و السُـنَّهِ و الاَدَب؛ غدیر در قرآن و احادیث نبوی و ادبیات است. این کتاب در واقع، دایره المعـارفی است که تنهـا درمورد حـادثه تـاریخی غـدیرخم نیست، بلکه نویسـنده، مطـالب بسیار گوناگون هم چون بحث های ادبی، تاریخی، فقهی، حدیثی، رجال، درایه و تفسیر را در این اثر گرد آورده است.

کتاب گران سنگ الغدیر در ۱۱ جلد گردآوری شده است و در یک نگاه کلی، بحث های آن را به دو بخش می توان تقسـیم کرد:

۱- شهداء الفضیله، ص ۱۱.

۲- شهداء الفضیله، صص ۱۴ _ ۱۵.

الف ـ اثبات ولایت مطلقه امامان معصوم (ع) با ثابت کردن جانشینی بلافصل امام علی (ع) و اثبات این مطلب که آن حضرت به دستور خداوند و از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به این مقام تعیین شده است.

علاّمه به شیوه جالبی، با استناد به حدیث های معتبر اهل سنّت، جانشینی و ولایت بلافصل امام علی بن ابی طالب (ع) را اثبات می کند .

ب ـ نفی ولایت داشتن غیر معصوم بر امت اسلامی و اثبات این نکته که غیر معصوم نمی تواند جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد.

برای شناخت بهتر کتاب الغدیر، به نمونه بحث هایی از هر جلد، اشاره می کنیم:

جلد اوّل:

۱ ـ تاریخ صحیح و اهمیّت حادثه غدیر خم؛

۲ ـ نام های راویان حدیث غدیر که از صحابه پیامبر هستند (۱۱۰ نفر)؛

۳ ـ نام راویان حدیث که از تابعین پیامبر بوده اند (۸۴ نفر)؛

۴ ـ بیان طبقات راویان حدیث غدیر که عالمان و استادان حدیث از قرن دوّم تا چهاردهم هجری را در بر می گیرد.(۳۶۰ نفر)؛

۵ ـ نام های نویسندگان و کتاب هایی که در موضوع حدیث غدیرخم نگاشته شده اند؛

۶ ـ آوردن استدلال ها و احتجاجات امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و... به حدیث غدیرخم؛

۷ ـ بیان آیه های قرآنی که در موضوع غدیرخم نازل شده اند؛

۸ ـ بیان مفهوم حدیث و یادآوری مراسم و وظیفه مسلمانان در روز غدیر و آوردن حدیث روزه آن.

جلد دوم:

این جلد، شرح حال شاعرانی است که در قرن اوّل، دوّم و سوّم ه . ق در مورد حادثه غدیرخم شعر سروده اند؛ شاعرانی مانند: حَسّان بن ثابت، قیس بن سعد انصاری، عمرو بن عاص، محمد حصیری، سیّد حمیری و... .

در ادامه این جلد، بحث هایی درباره اهمیّت ولایت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه کتاب و سنّت آورده شده است.

جلد سوّم:

این جلد، به شاعرانی می پردازد که در قرن سوم و چهارم ه . ق در مورد غدیر خم شعر سروده اند؛ شاعرانی مانند: وامق نصرانی، ابن رومی، حمّانی، صنوبری و ابن طباطبای اصفهانی.

راویان شیعه در صحاح ستّه، چهل حدیث در مورد علم امیرالمؤمنین علی (ع) و یادآوری اجماع بر این که علی (ع) وارث علم نبی صلی الله علیه و آله است، از مهم ترین عنوان های جلد سوم است.

جلد چهارم:

شرح حال شاعران غدیر در قرن چهارم، پنجم و ششم ه . ق را دربرمی گیرد که ابوالفتح کشاجم، صاحب بن عباد، ابوالعباس ضبّی، ابو محمّد عونی، شریف رضی، قاضی ابن قادوس و ملك صالح از آن جمله اند.

جلد پنجم:

زندگی نامه برخی دیگر از شاعران غدیر در قرن ششم و هفتم ه . ق در این جلد آمده است؛ شاعرانی چون: سیّد محمّد اقساسی، ابوالحسن منصور باللّه، مجد الدین بن جمیل، بهاءُ الدّین اربلی و.... بحث هایی مانند علم ائمه به غیب، حدیث ردّ شمس، زیارت شهادت گاهِ عترت طاهره، آداب زایر، سلسله کذّابین و وضّاعین نیز در این

جلد مطرح شده است.

جلد ششم:

شرح حال شاعران غدیر در قرن هشتم ه . ق مانند: ابو محمد بن داوود حلی، جمال الدین خلعی، صفی الدین حلی و... در این جلد آمده است.

برخی از ویژگی های خلیفه دوم، حدیث ولایت و حدیث منزلت از دیگر بحث های این جلد است.

جلد هفتم:

این جلد، زندگی نامه شاعران غدیر در قرن هشتم ه . ق مانند: ابن داغر حلّی، ابن عرندس حلّی، حافظ برسی حلّی و... را دربرمی گیرد.

در این جلد، بحث هایی درباره ویژگی های خلیفه اوّل، ایمان ابی طالب و... آمده است.

جلد هشتم:

مسائل مهم این جلد عبارتند از: ابوطالب در قرآن، بحث هایی درباره خلیفه های سه گانه، ایمان ابوذر و سیرت او و... .

جلد نهم:

بررسی حدیث هایی در مورد عثمان از امیرالمؤمنین علی (ع)، عایشه، عبدالرحمن بن عوف، قصه حصار، سلسله بحث هایی در قصه دار، در این جلد است.

جلد دهم:

ادامه بحث خلیفه های سه گانه، مبالغه درآوردن فضیلت هایی برای معاویه بن ابی سفیان، شراب خوارگی و رباخواری معاویه، نماز جمعه خواندن معاویه در روز چهارشنبه، نامه امام حسین در پاسخ نامه معاویه، جنایت های معاویه، بررسی اجتهاد معاویه و... در این جلد بحث شده است.

جلد یازدهم:

بحث هایی هم چون معاویه و امام حسن مجتبی (ع)، معاویه و شیعه امیرالمؤمنین علی (ع)، معاویه و حجر بن عُدَی، قصه های خرافاتی و زیاده گویی در فضیلت صحابه مانند سخن گفتن زید بن خارجه پس از مرگ، سخن گفتن انصاری پس از قتل، ذکر نام عمربن عبدالعزیز در تورات، زیارت خداوند از احمد حنبل و... در این جلد آورده شده است. هم چنین شرح حال شاعران غدیر در قرن نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم ه . ق مانند: ضیاءُالدین هادی، شیخ کفعمی، عزّ الدین عاملی، زین الدین حمیدی، شیخ عبایی، مولی محمد طاهر قمی، شیخ حسن کرکی، علم الهدی و... در جلد یازدهم آمده است.

ویژگی های الغدیر

گفتیم که الغدیر دریایی است از گوهرهای ناب و ویژگی های ممتازی که این کتاب ارزش مند را از کتاب های دیگری که در این زمینه نوشته شده است، جدا می کند. در زیر به برخی از مهم ترین این ویژگی ها اشاره می کنیم:

موضوع مناسب

موضوع الغدیر، از موضوع هایی است که کم تر به آن پرداخته شده یا اگر هم به آن توجهی شده است، حقّ مطلب را کاملاً ادا نکرده اند. گزینش اثبات ولایت و جانشینی بلافصل امیرالمؤمنین علی (ع) به عنوان موضوع کتاب، کمال فکری و عقلی علّامه را نشان می دهد. البته پیش از علّامه، کتاب هایی در این زمینه نوشته شده بود، مانند کتاب ارزش مند عقبات الانوار نوشته سیّد میرحامد حسین که حتی علّامه از آن بهره های فراوانی برده است، ولی برخی ویژگی ها، الغدیر را ماندگار کرده و جایگاهی ویژه و بالاتر از همگنانش به آن بخشیده است.

هم سویی با زمان

اگر به حمله هایی که به اسلام، مذهب تشیع و بحث ولایت می شود، توجه کنیم و به ناسزاگویی ها، تهمت ها و دروغ هایی که به مقدسات شیعه نسبت می دهند، دقت شود و برنامه های استعمار ــ درپوشش تبلیغ بی دینی و اباحی گری ــ را در نظر بگیریم، اهمیّت گزینش «بحث ولایت» آشکار می گردد. علاّمه با این موضوع، دیواری استوار بر گرد کیان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و تشیع ناب علوی کشید و آن را از هجوم بی امان دشمن نگاه داشت.

استفاده از منابع مذهب های دیگر

یکی دیگر از ویژگی های مهم الغدیر، استناد به کتاب ها، منابع و متن های اصلی و معتبر اهل سنت هم چون صحاح ستّه است؛ کتاب هایی که در شمار منابع اصلی اهل سنّت قرار دارد و حدیث های موجود در آن ها را بدون هیچ اشکالی می پذیرند.(۱) استفاده از بحث ها و احادیث این کتاب ها و استناد به آن ها هیچ راه فراری برای کسی باقی نمی گذارد و اهل سنّت نمی توانند آن ها را رد کنند.

برخی بزرگان و شخصیت های اهل سنت نزد نورالدین نعسانی ــ از عالمان معروف اهل سنت ــ رفتند و محاکمه علاّمه امینی را به خاطر نوشتن کتاب الغدیر خواستار شدند و علت آن را تفرقه افکنی میان مسلمانان و به وجود آوردن شبهه درباره خلفای راشدین عنوان کردند. نورالدین نعسانی فرصتی خواست تا الغدیر را بخواند و موارد جرم(!) را بیابد. پس از مدّتی که شکایت کنندگان نزد او برگشتند، گفت: «من می توانم حکم اعدام و مصادره دارایی

۱- یادنامه، ص ۱۲۹.

علاّمه را بـدهم، ولی تنهـا یک شـرط دارد و آن این که شـما تمام منابع، مسـندها، کتاب ها و صـحاح خود را بسوزانیـد؛ زیرا حدیث ها و روایت هایی که در الغدیر آمده، در صحاح و کتاب های معتبر شما موجود است».(۱)

بسیاری منبع ها

از ویژگی های دیگر الغـدیر این است که در آن، به منبع ها و مآخـذ زیادی اسـتناد شده است و این پشـتکار و تلاش خسـتگی ناپـذیر نویسـنده آن را نشان می دهـد. علاّمه ۱۰ هزار کتـاب را به طـور کامـل خوانـد و به صـد هزار کتـاب مراجعه پی در پی داشت.(۲) علاّمه محمدتقی جعفری می فرماید:

مراجعه به آن همه مـدارک و تنظیم آن هـا برای تهیه چنین اثری، کـار فـوق العـاده ای است و در عـالم تحقیـق و تتبع کم نظیر است.(۳)

۵ _ اثبات اسلامی بودن بحث «ولایت»

۵ _ اثبات اسلامی بودن بحث «ولایت»

برخی این فکر را در اهل سنّت پدید آورده بودند که مبحث ولایت، بحثی شیعی است که ایرانیان شیعه آن را ساخته و پرداخته اند، ولی اسـتناد به منابع معتبر اهل سـنت در الغدیر، ثابت کرد که موضوع جانشـینی و ولایت بلافصلِ امیرالمؤمنین علی (ع) را شیعه نسـاخته، بلکه موضوعی اسـلامی است که حتی عالمـان بزرگ اهـل سـنت در کتـاب هـای خود به آن معترفنـد. بنابراین، علاّـمه امینی حقـایقی را بیـان کرد که در مـذهب اهـل سـنت نیز وجود دارد و تنهـا ویژه شـیعیان نیست، ولی غبـار فراموشـی و تعصب روی این حقایق را

۱- ربع قرن مع العلاّمه، ص ۵۸.

۲- جرعه نوش غدیر، ص ۱۵۴.

۳- حماسه غدیر، ص ۴۲۰.

پوشانده بود و چشم های حقیقت بین را از نگریستن به این حقیقت ناب اسلام بازمی داشت؛ حقیقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران ۲۳ ساله پیامبری خویش، بارها به آن اشاره کرده و در واقعه غدیرخم آشکارا آن را اعلام فرموده بود.

۶ _ استدلال های محکم و تحلیل درست

۶ _ استدلال های محکم و تحلیل درست

ایشان با استدلال های دقیق و بررسی کامل هر موضوع، از روایت ها و بحث های تاریخی و اعتقادی به سادگی نمی گذاشت، بلکه نقل کنندگان و نویسندگان و شخصیت های ناشناخته یا غرض ورز و خیانت کار را معرفی می کرد و با تیزبینی خود، از غرض ورزی ها و اهداف شوم آن ها پرده بر می داشت.

وی آن چنان در بررسی روایت ها، دقیق بود که حتی «گاهی برای رسیدن به شرح حال راویان یا سند حدیثی نبوی یا تصحیح الفاظ آن، بیش از ده شبانه روز وقت صرف می کرد».(۱)

۷ _ نثر زیبا و دل نشین

۷ _ نثر زیبا و دل نشین

علّامه که خود ادیبی توانا بود، با نثر زیبا و دل نشین و با چینش واژگانی درست در کتاب الغدیر، بر زیبایی آن افزود. شیوایی عبارت ها، چینش درست جمله ها و مطالب، بیان رسا و انتخاب صحیح واژگان، به خوبی در الغدیر نمایان است. برخی با توجه به این ویژگی الغدیر گفته اند:

در این سال ها، هیچ ایرانیِ عربی دان، نثر عربی را به خوبی و استحکام امینی ننوشته [است] و هرچند علاّمه در نثر و نظم پارسی، ترکی و عربی ذوق لطیفی دارد، ولی نثر عربی این مرد بزرگ، خصوصا در الغدیر لطف

۱- یادنامه، ص ۳۱.

دیگری دارد.(۱)

شیخ محمدرضا مظفر(۲) می گوید:

من تعجب می کنم، شیخ محمد حسین کاشف الغطا که پدرانش عرب بودند و خود سرآمد ادیبان عَربِ روزگار خویش بود، بـا آن قلم شیوا و معروفی که دارد، تنها در کتاب کوچک اصل الشیعه و اصولها هفت اشکال ادبی به ایشان شـده است، ولی علاّمه امینی که از تبریز به نجف آمـده و هنوز هم لهجه اش ایرانی و تبریزی است، در کتاب الغـدیر ۱۱ جلدی، یک ایراد هم ندارد.(۳)

البته تلاش های علاّمه میرزا محمـدعلی اردوبادی در این زمینه، نباید فراموش شود. ایشان از ادیبانِ حوزه علمیه نجف بود و در ادبیات و شعر مهارت داشت، علاّمه امینی «هرچه می نوشت، تا هنگامی که بر ایشان نمی خوانـد و از کنترل ایشان نمی گذشت، به چاپ خانه نمی فرستاد».

استاد محمدرضا حکیمی به مترجمان الغدیر چنین سفارش می کند:

مرحوم امینی سال ها زحمت کشید تا توانست چنین نثری بنویسد و آن را در الغدیر به کار برد و آن همه اطلاع و معلومات را در قالبی والا عرضه دارد. پس دست کم مترجم باید از نظر مایه ادبی و قدرت تعبیر و توان نویسندگی و ملکه بلاغت و وسعت واژگان و سطح نثر در حدّ مؤلف باشد و در زبان خود، نثری چون نثر الغدیر داشته باشد.(۴)

۸ _ تصحیح و بازآفرینی کتاب های اسلامی

۸ _ تصحیح و بازآفرینی کتاب های اسلامی

۱- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- از استادان معروف حوزه علمیه نجف و نویسنده کتاب های سقیفه، منطق مظفر، اصول مظفر و....

۳- یادنامه، ص ۱۵۶.

۴- حماسه غدیر، ص ۱۵.

علاّمه در الغدیر، برخی از مهم ترین کتاب های اهل سنت را در رشته های گوناگون، بررسی و نقد کرده است. می توان گفت صاحب الغدیر به نوعی بازسازی علمی دست زده و به تصحیح کتاب خانه عمومی اسلام توفیق پیدا کرده است.(۱) سعد الدین صالحانی _ از حافظان حدیث و عالمان مورد تأیید اهل سنت _ درباره علاّمه امینی، عبارت «محیی السنه و ناصرُ الحدیث و مجدِّد الاسلام»؛ احیاگر سنت و یاری کننده احادیث و تجدید کننده اسلام(۲) و «مُحیی السُّنه و الشریعه فی القَرن الرابع عشر»؛ احیا کننده سنت و شریعت در قرن ۱۴ هجری(۳) را به کار برده است.

۹ _ فقه تاریخ در الغدیر

۹ _ فقه تاریخ در الغدیر

تاریخ نویسان شیعی به فقه تاریخ (فهم و تحلیل و نقد تاریخ) نقد و تطبیق تاریخی کم تر پرداخته و بیش تر در گردآوری و تدوین آن کوشیده اند. علاّمه در الغدیر، هر دو کار را با هم انجام داده است؛ یعنی هم مسائل تاریخی را گِردآوری کرده و هم به بحث های تطبیقی پرداخته است. در نتیجه، با روشن کردن تاریخ اسلام و میزان اعتبار دیگر منبع ها و شناخت مقیاس های کلی برای شناسایی این مسائل، با دید علمی به آن ها توجه نشان داده است.

علامه به دلیل شناخت مبانی و اصول علم تاریخ و با اطلاعات گسترده خویش به تطبیق و نقد حادثه های تاریخی دست زده و به خاطر همین ویژگی است که از ایشان به عنوان فقیه التاریخ یاد می کنند.(۴)

۱- حماسه غدیر، ص ۱۸۷.

۲- حماسه غدیر، ص ۱۸۷.

۳- حماسه غدیر، ص ۱۸۷.

۴- حماسه غدیر، ص ۱۹۳.

این تطبیق حادثه های تاریخی اسلام چنان با مهارت انجام گرفته است که اگر کسی الغدیر را بخواند، از اسلام و تاریخ و علوم حدیث و تفسیر آن، صورتی به دست می آورد که تا کنون نداشته و در مآخذ دیگر بدان نرسیده است.(۱)

۱۰ _ پیوند قرآن و الغدیر

۱۰ _ پیوند قرآن و الغدیر

از ویژگی های دیگر الغدیر، آمیختگی و پیوند تنگاتنگ آن با قرآن کریم است. در سراسر کتاب، به آیات قرآنی استناد شده است و در برخی موارد به زیبایی تمام، بحث خویش را با آیه ای آغاز می کند که گویی تمام محتوای آن بخش در همان آیه نهفته است.

استاد عبدالفتاح عبدالمقصود مصری می نویسد:

علّامه امینی، ابتدا از قرآن سپس از حدیث، هدایت می طلبد.(۲)

۱۱ _ الغدیر و ادب اسلامی

۱۱ _ الغدیر و ادب اسلامی

رعایت ادب و زیبایی سخن در برابر توهین ها و تهمت ها از ویژگی های دیگر این اثر است. علّامه در پاسخ به تهمت ها و توهین ها، هیچ گاه ادب و اخلاق اسلامی را فراموش نمی کند، بلکه همواره با متانت و بردباری، پاسخ های استدلالی و منطقی ارائه می دهد و اگر نسبت به کسی در این کتاب، عتابی شده است، در برابر نویسندگانی است که از هیچ ناسزاگویی و بی ادبی در حق شیعه خودداری نکرده اند که البته این نیز از سر دل سوزی است.

تأثیرگذاری های الغدیر

در این بخش، به برخی از تأثیرگذاری های کتاب الغدیر در میان شیعه و

۱- حماسه غدیر، ص ۱۹۳.

۲- الغدیر، ج ۶، ص ۹.

سنی، اشاره می کنیم:

۱ _ شناساندن تشیع

الغدیر، عامل اصلی شناساندن مذهب تشیع به جهان گردید. الغدیر آینه تمام نمای شیعه است و اگر کسی بخواهد حرفِ شیعه را بشنود، با مراجعه به الغدیر، با شیعه و آیین او آشنا خواهد شد.

بنابراین، الغدیر، در شناخت تشیع و عقیده شیعیان دگرگونیِ بنیادین ایجاد کرده است به گونه ای که اگر کسی منصفانه در پیِ شناخت مذهب تشیّع باشد، با مراجعه به آن، از دام های دشمنانِ شیعه در امان می ماند و سخنان بیهوده و غرض ورزانه برخی نویسندگان، او را گرفتار نمی کند.

۲ _ گسترش تشیع

چه بسیارند افرادی که با خواندن الغدیر، به حقانیت امام علی (ع) پی بردند و ولایت او را پذیرفتند و شیعه گشتند. بسیاری از اهل تسنّن در کشورهای گوناگون اسلامی با خواندن این کتاب ارزش مند، شیعه شدند.(۱)

۳ _ راه یابی به مراکز علمی اهل سنّت

الغدیر به سبب اهمیّتش، به محیط های علمی و کتاب خانه های اهل سنت راه یافت. این ویژگی الغدیر از آن جهت برجسته است که کتاب هایی که پیش تر درباره ولایت و جانشینی علی (ع) به دست عالمان شیعی نگاشته شده بود، به این مراکز راه نیافتند و به طور گسترده در اختیار پژوهشگرانِ سنی قرار نگرفتند.

بسیاری از برداشت های نادرستی که در محیط های علمی و دینی اهل تسنن نسبت به شیعه وجود داشته و دارد، به خاطر نبود شناخت واقعی آنان

۱- یادنامه، ص ۱۶۳.

از شیعه و اصول و مبانی آن است. وقتی این کتاب ارزش مند در دسترس اندیشمندانِ با انصافِ اهل تسنّن قرار گرفت، آن چنان در برخورد آن ها با شیعه دگرگونی ایجاد کرد که وصف ناپذیر است.

نامه ها و تقریظ های بسیاری که عالمان و بزرگان اهل سنت برای علّامه امینی فرستادند، این دگرگونی را نشان می دهد.(۱) یکی از عالمان سنی می نویسد:

بنده با مطالعه الغدیر... دانستم که تا به امروز، عمرِ خود را بر سر یک مشت مطالب خرافی و پوچ گذرانده ام و بی جهت، شیعیان پاک و موحد را مشرک و کافر می دانستم. امروز با مطالعه کتاب ارزنده الغدیر دانستم که باید به شیعیانِ علی بن ابی طالب دست اتحاد و دوستی بدهم و جدایی را کنار بگذارم.(۲)

در پی این مسأله بود که استاد عادل غضبان _ مدیر مجله الکتاب القاهره _ در مجله اش به شناساندن الغدیر اقدام کرد و استاد علاءُ الدین خروفه _ از عالمان دانشگاه الازهرِ مصر _ همواره آرزوی دیدار علّامه امینی را در سر داشت و در روزنامه های قاهره از ایشان و کتاب ارزش مندش، دفاع می کرد. شیخ محمد سعید دحدوح در شهر حلب، جلسه الغدیرشناسی تشکیل می داد و این بحث چنان پربار بود که «جوانان شهر حلب که نویسنده الغدیر را ندیده بودند، چون با کسی از مسافران نجف روبه رو می شدند، چشمان او را می بوسیدند که تو نویسنده الغدیر را دیده ای.»(۳) حتی در شهر مکه، برخی از دبیران دبیرستان ها خواستار

۱- خود علّامه، برخی از این نامه ها را در جلدهای گوناگون الغدیر چاپ کرده است.

۲- حماسه غدیر، ص ۱۸۱.

۳- حماسه غدیر، ص ۲۱۴.

خریدن الغدیر شدند.(۱)

برخی عالمان اهل سنت، تعبیرهای زیبایی درباره کتاب الغدیر به کار برده اند.(۲) برای نمونه:

دکتر محمد غلاب مصری از آن به «آرزوگاه پژوهشگران» یاد می کند. استاد عبدالغنی حسن مصری، الغدیر را «دایرهُ المعارف بزرگ» قلمداد می کند و دکتر عبدالرحمان کیالی حلبی درباره آن می نویسد: «الغدیر، کتابی (است) که هر مسلمانی باید آن را به دست آورد.» هم چنین استاد عبدالفتاح عبدالمقصود از الغدیر به عنوان «جهانِ پهناورِ شناخت» یاد می کند و دکتر بولس سلامه، آن را «کتاب اطمینان بخش تاریخ و گشایش گر آفاق معرفت» می داند.

۴ _ گسترش بحث ولایت

پس از نوشته شدن الغدیر، بحث ولایت در مجامع علمی، دانشگاه ها و حوزه های دینیِ شیعه و سنی گسترش یافت به گونه ای که امروزه با منطق و استدلالِ علمی _ و به دور از هر گونه تعصبی _ درباره این موضوع، تحقیق می شود. «پیش از الغدیر، حدود ۳۰ کتاب در این زمینه نوشته شده بود، ولی اخیرا این عدد به ۱۲۵ کتاب رسیده است».(۳)

عنایت های ویژه امیرالمؤمنین علی (ع) در نوشتن الغدیر

داستان های فراوانی از عنایت های امیرمؤمنان علی (ع) به علاّمه امینی بر سر زبان هاست که اگر این توجّه ها نبود، علاّمه نمی توانست مسئولیت سنگین خود را به خوبی انجام دهد.

۱- حماسه غدیر، ص ۲۱۴.

۲- نک: «علاّمه امینی از دیدگاه بزرگان در همین نوشتار».

۳- یادنامه، ص ۱۸۵.

علّامه می فرماید:

هرگاه پشت میز می نشستم که الغدیر را بنویسم، مثل این بود که علی (ع) را در کنار میز می دیدم که مطالب را به من دیکته می فرمودند.(۱)

ز سبک الغدیرش هست پیدا

که علمش را علی اعطا نموده

و یا بی پرده تر گویم «حسانا»

علی املا و او انشا نموده(۲)

در این جا، برخی از عنایت های صاحب غدیر را به صاحب الغدیر می آوریم:

۱ ــ علّامه امینی می فرماید: «یک شب جمعه، در حرم حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)، به زیارت و دعا مشغول بودم و از خدا می خواستم به خاطر حضرت امیر (ع)، کتاب دُرر السمطین را ــ که در آن زمان کم یاب بود و من در تکمیل بحث های الغدیر، به آن نیاز داشتم ــ برایم مهیّا کند. در این هنگام، یک عرب دهاتی برای زیارت مشرف شد و از حضرت می خواست حاجت او را برآورده کند و گاو مریضش را شفا دهد.

پس از یک هفته که کتاب را نیافتم، دوباره به زیارت مشرف شدم. از حسن اتفاق وقتی به زیارت مشغول بودم، همان مرد دهاتی به حرم وارد شد و به خاطر برآورده شدن خواسته اش از حضرت تشکر کرد. وقتی من تشکر آن مرد را شنیدم، ناراحت شدم؛ چون می دیدم امام خواسته او را برآورده ساخته است، ولی دعای مرا اجابت نمی کند. به حضرت عرضه داشتم: جواب

۱- شهیدان راه فضیلت، ص ۶.

۲- جرعه نوش غدیر، ص ۱۸.

و خواسته این مرد را برآورده کردی، ولی من مدّتی است به شما متوسل می شوم و شما را شفیع قرار می دهم که آن کتاب را برای من مهیا کنید، ولی آن را هنوز نیافته ام. آیا من کتاب را برای خود می خواهم یا به خاطر کتاب شما ـ الغدیر ـ آن را می خواهم؟

سپس با گریه و ناراحتی از حرم بیرون آمدم.

آن شب از ناراحتی چیزی نخوردم و خوابیدم. در عالم خواب، خود را در خدمت امیرالمؤمنین علی (ع) دیدم. حضرت به من فرمود: «آن مرد ایمان ضعیفی داشت و نمی توانست صبر کند، ولی تو باید صبر داشته باشی.» صبحِ فردا، سر سفره بودم که در زدند. در را که گشودم، دیدم همسایه ای که شغلش بنایی بود، داخل شد و سلام کرد. سپس گفت: من خانه تازه ای خریده ام که بزرگ تر از این خانه است. بیش تر وسایلِ خانه را به آن جا برده ام و این کتاب را در گوشه خانه پیدا کردم. همسرم گفت: این کتاب به درد همسایه مان ـ شیخ عبدالحسین امینی ـ می خورد؛ به او هدیه کن، شاید از آن استفاده کند.

وقتی کتاب را گرفتم و غبارش را پاک کردم، دیدم همان کتاب خطی دررُ السمطین است. پس به خاطر این نعمت، سجده شکر کردم».(۱)

۲ ـ علّامه امینی نقل می کند: در نوشتن جلد ششم الغدیر به کتاب ربیع الابرار زمخشری نیاز داشتم؛ از این کتاب فقط سه نسخه خطی وجود داشت که یکی در یمن، یکی در دمشق و دیگری در دست وارثِ یکی از عالمان نجف اشرف بود.

۱- ربع القرن مع العلّامه، ص ۶۳.

به در خانه آن شخص رفتم تا آن کتاب را سه روز امانت بگیرم، ولی پسر آن عالم اجازه نداد. حتی حاضر شدم کتاب را در خانه آن ها بخوانم، ولی باز او اجازه نداد. بعد از این که ناامید شدم، به پناه گاه همیشگی ام ــ حرم حضرت امیر (ع) ــ پناه بردم و شکایت کردم و با ناراحتی به خانه برگشتم.

صبح هنگام، حضرت امیر (ع) را در عالم خواب دیدم و خواسته ام را عرض کردم. امام (ع)فرمود: «حاجت تو پیش فرزندم حسین (ع) است.» به کربلا مشرف شدم و پس از خواندن نماز و زیارت، حاجت خود را به حضرت عرض کردم. سپس به حرم حضرت ابوالفضل (ع) مشرف شدم. بعد از زیارت به صحن حرم آمدم. در صحن نشسته بودم که شیخ محسن ابوالحب را که از خطیبان کربلا بود، ملاقات کردم و ایشان مرا به خانه اش برد. پس از استراحت، مرا به کتاب خانه اش برد. میان کتاب ها می گشتم که کتابی را از قفسه برداشتم؛ همان گم شده من، یعنی کتاب ربیع الابرار بود. همان دم سرّ اَمر حضرت امیر را که مرا به امام حسین (ع) سپرده بود، فهمیدم و گریه شدیدی بر من چیره شد. شیخ محسن با تعجّب علت گریه مرا پرسید. من نیز داستان را گفتم. وقتی شنید حالش دگرگون شد و گفت: این کتاب خطی از کتاب های کم یاب است. قاسم بن رجب آن را به مبلغ هزار دینار می خواست، ولی به او نفروختم. سپس بر روی کتاب نوشت: این کتاب به علاّمه امینی هدیه می شود».(۱)

۳ ــ در کتاب ربع القرن العلاّمه آمده است: علاّمه در نوشتن یکی از فصل های الغدیر، به کتابی نیاز پیدا می کند، ولی چون به آن کتاب دسترسی نداشت و

۱- ربع القرن مع العلاّمه، صص ۶۹ ــ ۷۱.

بحث های کتاب هم سلسله وار بوده است، نمی توانست بحث را ادامه دهد. از این رو، مجبور می شود نوشتن را تعطیل کند. ایشان به حرم حضرت علی (ع) می رود و در برابر ضریح می ایستد و مشکل خود را بیان می کند.

فردای آن روز که عالمان به دیدن او آمده بودند، علاّمه از آن کتاب پرس وجو می کند. یکی از آن ها می گوید: کتابی که در پی آن هستی، در اعظمیّه، یکی از محله های بغداد _ نزد یکی از عالمان اهل سنّت است، ولی او خیلی متعصّب است و حتّی آن کتاب را به نزدیک ترین بستگان خود نمی دهد.

فردای آن روز، علاّمه عازم سفر می شود و پس از زیارت کربلا و کاظمین، به اعظمیه می رود و درِ خانه آن شیخ سنی را می زند. خود شیخ در را باز می کند و وقتی علاّمه را می بیند، حیران می شود. علاّمه می گوید: من از نجف برای خواندن فلان کتاب شما آمده ام. شیخ می گوید: بفرمایید: مولای من! کتاب خانه من در اختیار شما است؛ هر کتابی که می خواهید، بخوانید.

علاّمه گرد و غبار کتاب ها را پاک می کند و تا عصر مشغول نوشتن می شود. هنگام عصر که خسته و تشنه می شود، درب اتاق داخلی را می زند. شیخ با خواب آلودگی در را باز می کند و با تعجّب می گوید: تو هنوز این جایی! کاملاً تو را فراموش کرده بودم؛ این گرد وغبار چیست که به صورت شما نشسته است؟

سرانجام، پس از آن که مطالب مورد نیازش را از آن کتاب، نسخه برداری کرد، به سوی نجف حرکت می کند».(۱)

۱- ربع القرن مع العلاّمه، صص ۶۰ _ ۶۲.

۴ _ علاّمه نقل کرده است: «برای تهیه کاغذِ چاپِ الغدیر، به بغداد رفتم. در حرم، مرحوم شیخ محمدرضا مظفر را دیدم. گفت: برای چه به بغداد آمدی؟ گفتم: برای تهیه کاغذ. گفت: چه مقدار کاغذ می خواهی؟ گفتم: ۳۰۰ بند. ایشان فرمود: من با همه آشنایی ام ۱۵ بند کاغذ برای چاپ کتاب السقیفه می خواهم و یک ماه است که دوندگی می کنم و هنوز موفق نشده ام. (آن زمان کاغذ کوپنی بوده و تهیه آن بسیار دشوار بوده است). گفتم: «ما ارباب داریم».

فردای آن روز به مرکز رفتم. مسئول آن جا پرسید: چه قدر کاغذ می خواهی؟ گفتم: ۳۰۰ بند. گفت: این جا تحویل می گیری یا به نجف بفرستیم؟ من آدرس چاپ خانه الغدیر را در نجف دادم و کاغذ را به آن جا فرستادند. بعدها به آن مسئول اعتراض می شود که چرا یک جا ۳۰۰ بند کاغذ به یک نفر داده ای؟ او می گوید: علاّمه وقتی جلوی من قرار گرفت، حالتی به من دست داد که هرچه کاغذ می خواست باید به او می دادم، ولی ایشان تنها ۳۰۰ بند خواستند و من هم همان مقدار را دادم».(۱)

۵ _ آیت اللّه فاضل لنکرانی نقل می کنند که: علاّمه برای به دست آوردن یک کتاب، به مسافرتی طولانی می رود، ولی در آن سفر کتاب را نمی یابد و به نجف باز می گردد. یک روز صبح به حرم امیرمؤمنان علی (ع) مشرف می شود و به آقا عرض می کند: «من برای تهیه این کتاب بسیار زحمت کشیدم، ولی آن را نیافتم. از شما می خواهم آن را برایم فراهم کنید؛ چون از توان من خارج است».

وقتی از حرم بیرون می آید، خانمی در بازار نزد وی می آید و می گوید:

۱- یادنامه، ص ۱۶۰.

همسرم مرحوم شده است و کتاب هایش مورد نیاز ما نیست. اگر ممکن است بیایید و این کتاب ها را ببینید، هر کدام را که خواستید خریداری کنید. وقتی علّامه کتاب ها را وارسی می کند، همان کتابی را که در پی آن بوده است، پیدا می کند».(۱)

فصل ششم: خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

اشاره

فصل ششم: خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

زیر فصل ها

۱ _ تأسیس کتاب خانه امیرالمؤمنین علی (ع)

۲ _ پشتیبان ولایت فقیه

۳ _ ارتباط با نهضت های اسلامی

۱ _ تأسیس کتاب خانه امیرالمؤمنین علی (ع)

۱ _ تأسیس کتاب خانه امیرالمؤمنین علی (ع)

گفته شد که علّامه امینی برای گردآوری منابع الغدیر، به کشورهای گوناگونی هم چون هند، ترکیه و سوریه سفر می کرد و با سختی های فراوان به آن ها دست می یافت. ایشان وقتی کتاب خانه های دنیا را می دید، از این که نجف اشرف _ که آن زمان مرکز علمی شیعه بود _ یک کتاب خانه پربار و مجهّز ندارد، ناراحت بود. پس تصمیم گرفت کتاب خانه بزرگی در نجف پایه گذاری کند تا پاسخ گوی دانش پژوهان باشد. سرانجام در ماه جمادی الاولی سال ۱۳۷۳ ه . ق در سن ۵۳ سالگی، کتاب خانه مجهّزی را پایه گذاری کرد و به تهیه کتاب ها و فراهم آوردن کارهای ابتدایی مشغول شد.

ایشان در قدم نخست، کتاب خانه خود را که حدود ۵ _ ۶ هزار جلد کتاب معتبر و تاریخی داشت، وقف کتاب خانه امیرالمؤمنین علی (ع) کرد.

دکتر محمدهادی امینی می گوید:

پدرم به من گفت: اگر ما کتاب های خود را وقف کتاب خانه نکنیم، برای دیگران الگو نخواهد شد. پس خودش اولین قدم را برداشت و من هم

۱- یادنامه، ص ۶۸.

کتاب های خودم را که حدود ۱۰۰۰ جلد می شد، به کتاب خانه اهدا کردم.(۱)

در پی این کار، برخی بزرگان و عالمان نجف کتاب خانه های شخصی شان را به آن جا بخشیدند و توان مندان نیز به کتاب خانه کمک مالی کردند تا این که در عید غدیر سال ۱۳۷۹ ه . ق، کتاب خانه به طور رسمی افتتاح گردید.

علّامه در سخنرانیِ افتتاحیه کتاب خانه فرمود:

استدلال های ما در اثبات مقام ولایت، براساس کتاب های اصیل و دست اوّلِ جهان اسلام است. خیلی از این کتاب ها در معرض تلف است. بسیاری در معرض تحوّل، تحریف و تغییر است. مطالبی را در کتاب ها نوشته ایم، استناد هم می کنیم، جلد و صفحه را هم معیّن و مؤلف کتاب را هم مشخص کرده ایم. امّا اگر کسی بگوید این مطلبی که به فلان کتاب حواله داده اید، آن کتاب کجا است؟ نمی توان گفت که بروید به نیویورک یا در کتاب خانه الازهر یا در کتاب خانه ظاهریه شام آن را بیابید. ما این کتاب ها را در نجف نداریم، باید این منابع در این جا موجود باشد. آثاری از اهل سنت که شیعه روی آن استناد می کند و به عنوان منبع بر آن تکیه می کند، چهل هزار کتاب است و من تا امروز بیست و پنج هزار جلد از این منابع اصیل را در این کتاب خانه جمع آوری کرده ام و می کوشم باقی مانده آن را هم جمع آوری کنم.(۲)

کتاب های این کتاب خانه بسیار ارزش مند است. علّامه بسیاری از آن ها را در سفرهای خویش، نسخه برداری کرده یا خرید و برخی از این کتاب ها نیز به صورت عکس یا میکروفیلم است.

۱- جرعه نوش غدیر، ص ۶۱.

۲- یادنامه، ص ۱۰۲.

داستان زیر، استواری علامه امینی و توجه امیرالمؤمنین به این کتاب خانه را نشان می دهد که به نام مبارکشان مزیّن است. دکتر محمدهادی امینی می گوید: در سال ۱۳۷۳ ه . ق که در دانشگاه لبنان تدریس می کردم چند تن از علمای عراق به دیدنم آمدند و گفتند رژیم بعث عراق تمامی کتاب خانه عراق را مصادره و در بغداد انبار کرد جز کتاب خانه امیرالمؤمنین. رژیم گفته است نمی توانیم با امینی طرف شویم و با این کتاب خانه کاری نداریم.

۲ _ پشتیبان ولایت فقیه

۲ _ پشتیبان ولایت فقیه

علّامه افزون بر ابعاد علمی، اجتماعی و فرهنگی، بینش سیاسی بالایی داشت. از جمله دیدگاه های سیاسی ایشان، پشتیبانی از نظریه ولایت فقیه در زمان غیبت امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف است.

هنگامی که امام خمینی رحمه الله مبارزات خویش را علیه رژیم شاهنشاهی آغاز کرد، علّامه از کسانی بود که با پشتیبانی از آن و با غصبی معرفی کردن حاکمیّت شاه، فرمود:

دیگران غاصبند و این مقام (حکومت) حق مسلّم آن فریادگر (امام خمینی) است.(۱)

ایشان به امام خمینی نگاه ویژه ای داشت و می فرمود:

امام خمینی، ذخیره خدا برای جهان تشیع است.(۲)

بنابراین، علّامه امینی از طرفداران حکومت دینی و از حمایت کنندگانِ نظریه ولایت فقیه به شمار می رود.

۱- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۳۵.

۲- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۳۵.

۳ _ ارتباط با نهضت های اسلامی

۳ _ ارتباط با نهضت های اسلامی

دوران جوانی علّامه امینی با قیام شیخ محمد خیابانی بر ضد انگلیس و نهضت مشروطیت، هم زمان بود. ایشان با دیدگاه های شیخ محمد خیابانی و اندیشه های سیاسی ایشان آشنایی داشت و پس از شهادت او، راهش را ادامه داد. البته علّامه این کار را با گسترش مکتب شهادت، مبارزه و جهاد در میان مردم پی گیری کرد.

نگارش شهداءُ الفضیله را در راستای همین حرکت و فعالیت سیاسی می توان ارزیابی کرد؛ زیرا ورود علاّمه به نجف با فروپاشی امپراتوری بزرگ عثمانی و تصرف عراق به دست انگلیس هم زمان بود.

ایشان از ناتوانی و سستی ملت های مسلمان، ناراحت بود. از این رو، کوشید با بیان زندگی نامه عالمان و بزرگانی که در پاسداری از اسلام به شهادت رسیده بودند، ملّت های اسلامی را به مبارزه و پایداری و وحدت در راه مبارزه با استعمارگران، دعوت و روح شهادت طلبی را در ایشان تقویت کند. کتاب شهداءُ الفضیله را از این دیدگاه می توان کتابِ سیاسی علاّمه شناخت.

از دیگر کارهای سیاسی علاّمه که پیش تر به آن پرداختیم، ارتباط ایشان با شهید نواب صفوی و گروه فداییان اسلام است. شهید نواب صفوی بسیار به علاّمه نزدیک بود و از طرز فکر ایشان بهره ها می برد چنان که آن شهید بزرگوار «همواره خود را مدیون راهنمایی ها و طرز فکر علاّمه امینی در بزرگداشت شیعه و رهبران و امامان بر حق می دانست».(۱)

۱- نهضت روحانیون ایران، ج ۲، ص ۱۹۶.

فصل هفتم: علاّمه امینی از دیدگاه بزرگان

اشاره

فصل هفتم: علاّمه امینی از دیدگاه بزرگان

در این جا گزیده هایی از سخنان عالمان و اندیشمندان جهان اسلام (سنی و شیعه) و مسیحیت را درباره آن بزرگوار می آوریم.

۱ _ آیت اللّه العظمی صافی گلپایگانی

۱ _ آیت اللّه العظمی صافی گلپایگانی

در عصر حاضر، مرحوم آیت اللّه مجاهد علاّمه امینی _ اعلی اللّه مقامه العالی _ یکی از مفاخر بزرگ و نوابغ علم و ادب و خادمین موفق اسلام بود. تلاش مداوم و کوشش بی وقفه آن عالم جلیل، در معرفی حقایق اصیل اسلام و معارف حق این دین حنیف و مکتب پربار و یگانه اَعدال قرآن کریم _ اهل بیت (ع) _ کم نظیر بود.(۱)

۲ _ آیت اللّه العظمی فاضل لنکرانی

۲ _ آیت اللّه العظمی فاضل لنکرانی

کتاب الغدیر، مخصوصا با قلم رسا و مطابق روزش، توانسته جمیع شبهات را در رابطه با مسأله امامت و وصایت بلافصل امیرالمؤمنین (ع)، پاسخی متناسب که مقبول عقل سلیم و منطقیِ خالی از تعصب است، بدهد. خاصه که از کتب خود آن ها که در زوایای کتاب خانه های متعدد مخفی بود یا مخفی نگاه داشته شده بود، استفاده نموده و با استعانت مداوم، از صاحب اصل مقام ولایت و امامت، چنین موفقیتی را به دست آورد که مرور زمان، نه تنها آن را کهنه نمی کند، بلکه بر عظمت آن می افزاید.(۲)

۱- یادنامه، ص ۵۳.

۲- یادنامه، ص ۵۶.

۳ _ آیت اللّه حسن زاده آملی

۳ _ آیت اللّه حسن زاده آملی

خداونـد درجـات علاّـمه امینی _ صـاحب الغـدیر _ را متعالی بفرمایـد؛ کاری که ایشان کرده است ممـدوح، پسـندیده و قابل تحسین است و در آن، جـای اعـتراض برای کسـی نیست. ایشـان کتـابی دربـاره غـدیر و روایـات آن نـوشت که از آثـار بـاقیه است.(۱)

۴ _ آیت اللّه مشکینی

۴ _ آیت اللّه مشکینی

در هر حـال، ایشـان (علاّـمه امینی) مرد عظیم الشأنی بود. خـدا رحمتش کنـد. اگر بتوانیـد کتاب های ایشان را مثل کتاب های شیخ انصاری و دیگران... بین مردم پخش کنید، خوب است.(۲)

۵ _ آیت اللّه جناتی

۵ _ آیت اللّه جناتی

او (علاّمه امینی) در بیش تر علوم رایج اسـلامی به ویژه در علوم حدیث، درایه، رجال، تفسیر و ادب و نیز جز این ها تبحّر و در بسیاری از این هـا تخصـص داشت. همه پژوهشـگران به روشـنی، تبحّر ایشان در علوم یاد شـده را می دیدنـد. لـذا از ایشان به عنوان یکی از عالمان بزرگ جهان اسـلام یاد می نمایند. باید گفت مرحوم علاّمه ضمن این که در عرصه تحقیق و تتبع، فردی متبحّر و اهل دقّت بود، در بُعد تبلیغ و ارشاد دینی، خطیبی توانا و سخن وری بسیار با جاذبه بود.

از شـیوه تبلیغی واقعا تأثیر گذار و کم نظیری بهره می گرفت و دارای خطابه های محکم و متقنی در کشورهای مختلف اسلامی بود و این موفقیت در عرصه تبلیغ به دلیل دارا بودن همه شرایط و ویژ گی های یک مبلغ توان مند و موفق بود.(۳)

۱- یادنامه، ص ۸۰.

۲- یادنامه، ص ۸۵.

۳- یادنامه، صص ۹۶ و ۹۹.

۶ _ آیت اللّه معرفت

۶ _ آیت اللّه معرفت

علّامه امینی در دوران معاصر، از مفاخر بزرگ تشیع شناخته شده است. البته در عالم تشیع، قدر ایشان را آن طوری که می بایست، ندانسته اند. ایشان جایگاه و مقامی بالا و ارجمند دارد؛ یعنی نزد تمام محققین شرق و غرب، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، چه سنّی و چه شیعه، ایشان به عنوان کسی که یک برجستگی خاصّی در عرصه تحقیق داشته، شناخته شده است.(۱)

۷ _ شیخ آقا بزرگ تهرانی

۷ _ شیخ آقا بزرگ تهرانی

دیدگان جویا، در این بوستان سرسبز بپویید و به یُمن این اثر گران قدر، جز باغ هایی روح افزا و زنده از نفخه نسیم سحر، چیزی نیافت.

نویسنده این اثر، امینیِ امین است. روزی که کتاب شهداءُ الفضیله را عرضه داشت، پرده از افتخارات درخشانی برگرفت و از افق علم، نوری خیره کننده برتابانید. او با این کتاب، رایحه ای دل انگیز به مشام ها رسانید؛ رایحه ای برتر از دو صد مشک دان. گوهرهایی به هم در پیوست آذین آفرین و آویزه هایی فراپیش داشت، زینت بخش گوش جان و خرد.(۲)

بعد از این که به محتوا و عظمت علمی کتاب الغدیر پی بردم، دست به دعا برداشته، از خدا طلب کردم که بقیّه عمر مرا به علّامه امینی ببخشد تا ایشان صورت واقع به الغدیر دهد.(۳)

۸ _ آیت اللّه سیدعبدالهادی شیرازی

۸ _ آیت اللّه سیدعبدالهادی شیرازی(۴)

چنان چه بر این مجموعه _ الغدیر _ وقوف یابی، خود را در کنار دریای

۱- یادنامه، ص ۱۰۰.

۲- حماسه غدیر، ص ۳۸۱.

۳- جرعه نوش غدیر، ص ۸۳.

۴- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۳۰.

خروشانی خواهی یافت که فرو نخواهد نشست و تو از آن جدا نخواهی شد، مگر آن که معارف الهی، اندیشه ات را فرا گرفته و ظرف ادراک تو از تعلیمات قدسی انباشته شده و منظره احساسات، جلوه گاه این نوید امیدبخش الهی گردد که می فرماید: «و آنان که در راه ما کوشش کنند، ما راه های رستگاری را به آن ها خواهیم نمود».(۱)

۹ _ آیت اللّه العظمی سید محسن حکیم

۹ _ آیت اللّه العظمی سید محسن حکیم

از جمله شخصیت های زبده و برجسته از گروه مجاهدینِ در راه حق، مؤلّف کتاب الغدیر است؛ همان محقق یگانه و دانشمندِ بی بدیل. من اجزای این کتاب را مطالعه کردم و آن را همان طور یافتم که از مؤلّف بزرگوارش سزاوار بود. این کتاب را چنان آراسته و منزه یافتم که به توفیق خداوند، آغاز تا انجام آن از هرگونه باطل و ناروا مصون [بود] و معظم له در برهان و معارضه سخت و استوارش (با خصم) و شادابی سخنان و زیبایی محاوراتش، تمام موفقیت را به دست آورده [است]. متانت رأی و نظر را با شیوایی ترکیب، [کرده و] کلام و معانی بدیع و بی مانند را با بنیان نیرومندِ سخن، پیوند داده [است]. در موضوع های گوناگون با تفنن سخن گفته و با استقامت کافی در هر موضوع، وارد و با پایداری بیرون شده [است].(۲)

۱۰ _ شهید مرتضی مطهری

۱۰ _ شهید مرتضی مطهری

کتابِ شریفِ الغدیر، موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورده است. اندیشمندان اسلامی، از زوایای مختلفِ ادبی، تاریخی، کلامی، حدیثی،

۱- عنکبوت، ۶۹ .

۲- ترجمه الغدیر، صص ۳۶ _ ۴۵.

تفسیری، اجتماعی، بدان نظر افکنده اند.(۱)

۱۱ _ علّامه محمدتقی جعفری تبریزی

۱۱ _ علّامه محمدتقی جعفری تبریزی

کتابِ الغدیر از آن آثارِ ارزنده ای است که مورد قضاوت ها و اظهار نظرهای مختلف قرار می گیرد. با نظر به موضوعات و محتوای این کتاب و آرای صاحب نظرانِ آگاه، دو موضوع در این اثر، روشن است:

یکی، عظمتِ کوششی است که در الغدیر صورت گرفته است به طوری که می توان گفت مراجعه به آن همه مدارک و تنظیم آن ها برای تهیه چنین اثری کار فوق العاده ای و در عالَمِ تحقیق و تتبع کم نظیر است.

دوّم، ایمان و خلوص نیّت مرحوم علّامه امینی است درباره روشن شدن یکی از ارکان اساسی ایدئولوژی اسلامی _ که برای هر مطالعه کننده هُشیار پدیدار است. این دو موضوع قابل تردید نیست.(۲)

۱۲ _ محمد عبدالغنی حسن

۱۲ _ محمد عبدالغنی حسن(۳)

علّامه امینی آکنده از دوستی امام علی و شیعیانش، جوهر وجود و نور چشمانش را فدا می کند تا راهی به خاندان بزرگوار علوی پیدا کند. در آن چه می کند، به ندای مذهبش پاسخ می گوید. عشق چنان پندها و پیوندهایی بر عاشق می نهد که با وجود آن ها، راه هرگونه اعتراض بر او بسته می شود. حقیقتی که باید آشکارا گفته شود این است که: علاّمه استاد عبدالحسین امینی، عاشق و دوست دار متعصب و پیرو هوای نفس نیست، بلکه دانشمندی است که دانش خود را در خدمت دوستی علی و شیعیان او قرار داده است. پژوهنده ای است که امانت دانشمندی و بی غرضی بحث و تحقیق را بیش از توجه به احساسات و عواطف، در نظر

۱- حماسه غدیر، ص ۱۲۸.

۲- حماسه غدیر، ص ۴۲۰.

۳- از دانشمندان بزرگ اهل تسنن در مصر.

داشته است.(۱)

۱۳ _ شیخ محمدسعید دحدوح

۱۳ _ شیخ محمدسعید دحدوح(۲)

من اکنون خود را در برابر دریای بی پایانی می بینم که در آن، انواع گوهرهای نفیس و خیره کننده و بی نظیر وجود دارد. دلایل کافی و رسا، برهان صریح، علم زیاد و مزایای بی شمار دیگر آن قدر در این مجموعه گران بها هست که قادر بر شمارش آن نیستم. این مزایا گویای این حقیقت اند که: اگر بخواهند نورانیت ماه چهارده را با ابرهای تیره (اشتباه کاری و دشمنی) و عوامل فریبنده از دیدگاه بپوشانند، نمی توانند.(۳)

۱۴ _ دکتر محمّد غلاب

۱۴ _ دکتر محمّد غلاب(۴)

الغدیری که به راستی، در درخشندگی و سودبخشی چونان چشمه است؛ الغدیری که پژوهشگران، آرزوی خویش را در آن می یابند. همان گونه که مسافر تشنه کام، به هنگام رسیدنِ به چشمه، عطشِ خود را با آن برطرف می سازد؛ الغدیری که شما در آن، درباره بخش مهمّی از میراثِ اسلام، پژوهش هایی رنج بار کرده و درصدد به دست آوردنِ حقیقت و یافتن روایات صحیح بوده اید و همواره هر شبهه ای را به دست نقد و تصحیح سپرده اید. ما یقین داریم که جوانانِ امروز اسلام، از این ثمره های خوش گوار، استفاده خواهند کرد به ویژه آن که بیش تر نوشته های امروز، کم مایه، سبک و فاقدِ ارزش است و حرکت علمی و ادبی، اکنون به صورتِ تجارتِ صرف درآمده است.(۵)

۱- حماسه غدیر، ص ۳۵۹.

۲- امام جماعت اریحای شهر حلب که با خواندن الغدیر به مذهب تشیّع گروید.

۳- ترجمه الغدیر، ج ۱، ص ۱۷.

۴- استاد فلسفه در دانشگاه الازهر مصر از اهل تسنّن.

۵- حماسه غدیر، ص ۴۱۱.

۱۵ _ دکتر عبدالرحمان الکیالی

۱۵ _ دکتر عبدالرحمان الکیالی(۱)

کتاب الغدیر با آن چه که از سنّت، ادب، علم، تاریخ، اخلاق و حقایق و تتبّعات و اقوال دربردارد، شایان مطالعه دقیق و احاطه کامل است و سزاوار است که هر مسلمان، آن را به دست آورد تا بداند تاریخ نویسان چگونه کوتاهی کرده اند و حقیقت در کجا است. به این ترتیب، نتایج کوتاهی و سهل انگاری را از میان می بریم و پاداش اقرار به حقایق و اطاعت از اوامر و وحدت عقیده و مذهب و هم رأیی را درمی یابیم.(۲)

۱۶ _ عبدالفتاح عبدالمقصود

۱۶ _ عبدالفتاح عبدالمقصود(۳)

امینی، غَوّاصی بود که رسالت داشت گوهرهای یکتا را کشف کند و ژرفناهای دریاها را از آن ها تهی سازد. البته امینی تنها غَوّاص نبود، بلکه گوهرشناس هنرمند نیز بود؛ گوهرشناسی که از این گوهرها، جواهرهای جاویدانی ساخت که با وجود آن ها، دیگر برای زرناب جلوه ای باقی نماند. کوششی که بیرون از توان بشری بود، هیچ گاه گلزار همّت مؤلّف بزرگوار را پژمرده نکرد و شاخسار شکیبایی وی را از شادابی نینداخت. من سخت در شگفتم و سزاوار چنین شگفتی هستم _ که چگونه مؤلّف توانسته است، وقت خویش را برای بررسی بحثی آماده سازد که هزار و چند سال امتداد داشته است و با این همه، در پرتگاه نومیدی و افسردگی فرو نیفتد و از همه ارمغان های ذهنی این مدتِ دراز _ که نزدیک بود گرد و غبار روزگار، آن ها را از دیدگان این نسل پنهان سازد _ با جست وجو و کنجکاوی، پرده برگیرد. پیدا است که چنین شکیبایی و همّتی جز در

۱- از شخصیت های علمی سوریه.

۲- حماسه غدیر، ص ۴۰۰.

۳- عالم سنی و نویسنده کتاب معروف «الامام علی علیه السلام».

پرتو ایمانی استوار به دست نمی آید.(۱)

۱۷ _ علاءالدین خروفه

۱۷ _ علاءالدین خروفه(۲)

من گمان نمی کردم در این عصر که مادیّات بر آن غلبه کرده است و به شتاب زدگی در تألیف و سطحی بودن بحث و تحقیق معروف است، مردی که گویا به تنهایی امّتی است، به پا خیزد و این کتاب جلیل را _ که مانند آن را گروهی هماهنگ از دانشمندانِ علمی نتوانند به دست داد _ پدید آورد.(۳)

۱۸ _ دکتر بولس سلامه

۱۸ _ دکتر بولس سلامه(۴)

ای صاحب فضیلت! این کارِ بزرگی که شما بدون کمک گرفتن از کسی بدان اقدام کرده اید، کار دشواری است که برای گروهی از دانشمندان نیز طاقت فرسا است. شما چگونه توانسته اید به تنهایی آماده انجام آن شوید؟

بی گمان این روح مقدّس، روحِ امام بزرگ است _ بر او و فرزندان پاکش گرامی ترین درود باد _ که مشکلات را رام ساخته و بینش شما را به روی گنج های دانش گشوده است. این همه، هم چون اندوخته ای برای تاریخ نویسان و مأخذی برای دانشوران و آبشخوری برای شاعران باقی خواهد ماند تا هر زمان، کشتزارِ ادب از آن سیراب گردد.(۵)

۱- حماسه غدیر، ص ۳۷۰.

۲- از استادان بزرگ اهل سنت در دانشگاه الازهر.

۳- حماسه غدیر، ۴۰۶.

۴- از اندیشمندان مسیحی.

۵- حماسه غدیر، ص ۴۰۹.

بخش دوّم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

بخش دوّم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

متون ادبی

اشعار

متون ادبی

متون ادبی

فریادگرِ حق

امینی دریادل بود. عقابی بلندپرواز بود، عقابی که با منقار کلام از لابه لای سطور گرد گرفته تاریخ، سیمای علی (ع) را یک بار دیگر نشان داد؛ علی و یارانش را.

به حق گروید، به حق زیست. به آستانِ بلنْدپایه و شکوه منِدِ مردِ حق، روی آورد. در راه شناساندن این حق، به جان کوشید. پُشتِ پا زد به این رذالت گسترده عَفِن. یادش را گرامی داریم. میراثش را پاسداری کنیم که مردِ حق بود و حق گفت.

چشم هایمان را به هم بمالیم. گوش هایمان را باز کنیم. مباد که چهره حق را ننگریم و مباد که فریاد حق به گوش مان نرسد.(۱)

غلام رضا امامی

۱- حماسه غدیر، ص ۴۱۹.

غواص دریای ولایت

علاّمه امینی، قله دانش و جلگه تواضع را با هم جمع کرده بود. جان عاشـقش تنها با قرآن و سـخن عترت آرام می گرفت؛ هم نشین خاکیان بود، ولی بیش تر با افلاکیان اُنس داشت. او زندگی ممتازی داشت و در خانواده ممتاز و شریف تولّد یافت.

امینی، ستاره پرفروغی است که در تاریخ یک هزار و چهارصد ساله اسلامی درخشید. امینی؛ یعنی استوانه علم الیقین، جمال الملة و الدین. امینی، جرعه نوش غدیر، عاشق علی (ع) و سیراب شده کوثر ولایت بود. چنان شیفته ولایت بود که هستی خود را یک باره در کوره عشق علی (ع)ریخت و پروانه وار سوخت و لبخند مستانه اش نشانی از پیروزی بود.

امینی آن فرشته حقیقت بود که با چهره نورانی اش، نـدای ملکوتی فضیلت و معنویت را به گوش جهانیان رسانیـد و خفتگان قرون را از خواب غفلت بیدار کرد.

آری، امینی پس از ۱۴۰۰ سال توانست چهره واقعی و ملکوتی علی (ع)را که شیّادان زیر گرد و غبار تاریخ، پنهان کرده بودند، به جامعه بشری نشان دهد.

او، یگانه غوّاص دریای بی کران ولایت بود که گوهرهای آن را در دسترس حق جویان قرار داد.(۱)

مهدی لطیفی

۱- جرعه نوش غدیر، صص ۱۷، ۱۸ و ۲۱.

اشعار

اشعار

الغدیر

تا طنین افکند در گیتی ندای الغدیر

گشت بانگ حق طنین افکن ز نای الغدیر

شورِ حق افتاد در اقطار عالم آشکار

حق بلند آوازه شد باز از ندای الغدیر

نور باران گشت آفاق هدایت در جهان

پهنه خاور درخشید از ضیای الغدیر

چهارده صد سال علم و دین و تاریخ و هنر

جلوه گر شد نو به نو در لابه لای الغدیر

تا که شد این سیل دانش جاری از بحر نجف

نیل تا آمویه گشتند آشنای الغدیر

بر فراز گنبد اَهرام بعد از قرن ها

ساخت دست دانش و تقوا بنای الغدیر

وحدت اسلامی آن دیرینه امیّدِ بزرگ

می شود اکنون پدیدار از صلایِ الغدیر

چون غریو قهرمانان تشیع در قرون

کوه ها لرزاند بانگ رعدسای الغدیر

از پی تاباندن نور عدالت در جهان

مشعلی نَبوَد به دستِ کس، سوایِ الغدیر

در نبرد حق و باطل باز در دور زمان

پهنه صفّین پدید آمد به پای الغدیر

شام عاشورا، سحرگاه شهادت، صبح خون

نقش بینی گونه گون در جای جای الغدیر

حاکم عادل پس از پیغمبرِ خاتم، علی است

این بود آن حقِّ بر حق ادعایِ الغدیر

بحر را در برکه گنجاندن نه کاری بود خُرد

این که موّاج این چنین یابی فضای الغدیر

روح قبله، نصّ قرآن، متن سنّت، اصل دین

در جهان گسترد ز آوایِ رسای الغدیر

افتخار دینِ اسلام است امروز این کتاب

رونق علم است یکسر محتوایِ الغدیر

مرحبا بر همّت مردی که از آثار او

ماند جاوید آن کتاب پربهای الغدیر

بارالها! ای به دورانْ، یاورِ اعلای حق

روز افزون کن به گیتی اعتلای الغدیر(۱)

استاد محمدرضا حکیمی

مظهر امانت

امینِ دین الهی، صدیقِ آل رسول

امینی آن که به حقّ مظهر امانت بود

نبود از دو جهان جز به علم و حکمت شاد

۱- حماسه غدیر، صص ۵۹۶ _ ۶۰۲.

که نفسِ قُدسی او نفسِ علم و حکمت بود

جهان ز همّت او در کمال، حیران است

که او جهانِ دگر در کمالِ همّت بود

غدیرخُم شد از او، بحر بی نهایتِ علم

که خود به علم و ادب، بحرِ بی نهایت بود

تراشه قلم از ذوالفقار حیدر داشت

از آن، به نیشِ قلم، ذوالفقار امّت بود

سَنان نکته پولادی اش به دیده خصم

جگر شکاف تر از تیغِ در مَهابت بود

امیر! مرگ چنین شهسوار عرصه علم

نه مرگِ یک تن، بل مرگِ یک جماعت بود

چنین مُصیبتِ عُظما، نبود دانش را

اگر دریغ و اَسَف بود، اگر مصیبت بود

ز فیض بحرِ ولایت، غریقِ رحمت باد

که خود ز بحرِ ولایت، غدیر رحمت بود(۱)

امیری فیروزکوهی

آیت داوری(۲)

ای که بالا رفته ای بر اوج فخر و سروری

سرور من، آیتی از ذات پاک داوری

این غدیر توست یا گلزار با فرّ و شکوه

یا فروزان آسمانی، نور بخشا منظری؟

این غدیر توست یا باغی که از فرط ثمر

سر فرو آورده اشجارش همه نغز و طری؟

از غدیر تو به عالم شد علومی منتشر

کز نظر مستور بودند از ره افسون گری

۱- حماسه غدیر، صص ۵۷۱ _ ۵۷۲.

۲- حماسه غدیر، ص ۶۲.

تو مهیا ساختی راهی برای درک حق

روشن و پهناور از آیین دانش پروری

در غدیرت از حقایق هم چو درّ شاهوار

گوهری انباشتی کاین سان نباشد گوهری

می سزد اکنون تو را بهتر که با بانگ جلّی

خلق عالم را کنی بر این متاعت مشتری

جاودان بادا تو را از الغدیرت ذکر خیر

می دهد پاداش تو جود و سخاوت حیدری

ترجمه شعرِ شیخ محمدرضا خالصی کاظمی

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای برنامه سازی

داستان هایی از زندگانی علامه امینی

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مصاحبه ای

پرسش های کارشناسی

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای کلی

علامه امینی از اندیشمندان بزرگ دوران معاصر بود که در طول حیات پربار خویش توانست خدمات مهمی به اسلام و جهان تشیع عرضه بدارد و برای نسل های آینده، آموزنده و الگو آفرین باشد. از این رو، شایسته است به مواردی از آن تلاش ها اشاره شود تا برنامه سازان بدان بیشتر توجه کنند.

۱ ـ تلاش برای ایجاد وحدت در میان مسلمانان، وظیفه ای همگانی است که با توجه به شرایط بین المللی، باید در کانون فعالیت های نهادهای جامعه قرار گیرد.

در این میان، کتاب الغدیر می تواند عامل وحدت اسلامی و تقریب مذاهب به شمار آید تا دیدگاه های مسلمانان شیعه و سنی به هم نزدیک تر گردد. این نزدیکی دیدگاه ها به ایفای نقش کارساز جوامع اسلامی در عرصه های گوناگون می انجامد. سبک استدلالی الغدیر و استناد آن به کتاب های معتبر اهل سنت نیز می تواند همه مسلمانان را قانع کند.

رسانه های گروهی مانند مطبوعات، صدا و سیما و مراکز علمی ـ پژوهشی می توانند به خوبی از این کتاب استفاده کنند و از

اختلاف نظرهای

مسلمانان، بکاهند.

۲ ــ الگوآفرینی مناسب از بزرگان، مقوله ای مهم به شمار می آید. زندگی نامه بزرگان می تواند راه رستگاری را به جوانان نشان دهد. تبیین مراحل گوناگون زندگانیِ مردان اندیشمند و مصلح (دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و...) و یادآوری جنبه های متفاوت شخصیّتی آنان ــ با روش های گوناگون هنری ــ در الگوسازی برای نسل جوان نقش تعیین کننده ای دارد و از الگوپذیری های نامناسب غیر دینی جلوگیری می کند. ایستادگی، پایمردی و تحمل سختی ها برای رسیدن به هدف مقوله هایی هستند که درس آزادگی و پایداری را به نسل ها می آموزند.

سراسر زندگی علّامه امینی که در شمار این بزرگان قرار دارد، سرشار از آموزه های تربیتی و علمی برای جوانان است.

۳ ــ زمینه سازی برای عملی شدن دیدگاه های علّامه امینی (مانند خانه نویسندگان، بررسی نشریّه های جهانی درباره اسلام، آیین نقابت و...) می تواند بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه را برطرف سازد و به شبهه ها و تحریف های مربوط به اسلام و مذهب تشیّع پاسخ گوید.

۴ ــ یکی از ضعف های جامعه علمی ما، توجه نکردن به میراث علمی و فرهنگی است. چه بسیار کتاب هایی که با تلاش فراوان نویسندگان زبردست نوشته شده اند، ولی به دلیل توجه نکردن به آن ها هنوز چاپ نشده و در حال نابودی هستند. متأسّفانه برخی از آثار نوشتاری و پژوهشی علّامه، هنوز به صورت نسخه دست نویس باقی مانده و چاپ نشده است که این برای جامعه ما که از آموزه های والای الغدیر بهره ها می گیرد، تأسف بار است. بنابراین،

زمینه سازی رسانه برای چاپ این گونه اثرهای ارزش منـد می تواند جامعه ما را بیش از پیش با اندیشه های والای دانشـمندان بزرگ آشنا کند و فرهنگ جامعه را اعتلا بخشد.

۵ ـ یکی از بحث هـای جـامعه شـیعی، چگونگی دفـاع از ولاـیت است. در این مورد، دیـدگاه های گوناگونی بیان گشـته که گاهی به افراط و تفریط هم انجامیـده اند. از این رو، با توجه به شـرایط فرهنگیِ روز، بیش از پیش به ایمن سازی بحث ولایت و مسائل آن در برابر هجمه های دشمنان نیازمندیم.

در این راسـتا، کتاب الغدیر که نتیجه یک عمر زندگی پژوهشـگری خسـتگی ناپذیر به شمار می رود، الگوی مناسبی است که باید بدان توجّه ویژه صورت گیرد.

پیشنهادهای برنامه سازی

پیشنهادهای برنامه سازی

با توجه به آن چه گفتیم، برنامه های زیر پیشنهاد می شود:

۱ ـ دعوت کردن از کارشناسان حوزه و دانشگاه برای بحث و بررسی موارد زیر:

ـ زندگی نامه علاّمه امینی؛

ـ زندگی علمی ـ فقهی علاّمه؛

ـ جنبه های گوناگون دینی، اخلاقی و اجتماعی علاّمه؛

ـ دیدگاه های سیاسی ایشان درباره وقایع سیاسی آن روز مانند: مشروطیت، قیام شیخ محمد خیابانی و نهضت فداییان اسلام؛

ـ ویژگی های اخلاقی و عرفانی آن بزرگوار؛

ـ دیدگاه علاّمه نسبت به بحث «ولایت فقیه و حکومت دینی»؛

ـ بررسی راه کار علاّمه در گسترش دین.

۲ ـ بررسی دقیق کتاب الغدیر با حضور کارشناسان حوزه و دانشگاه در زمینه های زیر:

ـ موضوع شناسی الغدیر؛

ـ منبع شناسی الغدیر؛

ـ روش شناسی الغدیر؛

ـ الغدیر و جهان اسلام؛

ـ تأثیرگذاری های الغدیر در مذهب تشیع و تسنن؛

ـ هدف علاّمه در نگارش الغدیر؛

ـ الغدیر و وحدت اسلامی؛

ـ الغدیر و عنایت های امیرالمؤمنین علی (ع)؛

ـ الغدیر و امتیاز ویژه آن نسبت به کتاب های دیگر در زمینه بحث ولایت؛

ـ الغدیر و موج گرایش به مذهب تشیّع.

۳ ـ ساخت برنامه های ساده و قابل فهم برای گروه سنّی کودک و نوجوان به منظور آشنایی آنان با این اندیشمند مسلمان.

۴ ـ تهیه فیلم مستند از گنجینه با ارزش کتاب خانه امیرالمؤمنین علی (ع) و معرفی نسخه های خطی و منحصر به فرد آن.

داستان هایی از زندگانی علامه امینی

داستان هایی از زندگانی علامه امینی

برای پربار شدن برنامه های صدا و سیما، افزون بر داستان هایی که در متن همین نوشتار آمده، برخی داستان ها و حکایت های دیگر را که مربوط به الغدیر و علاّمه امینی است، در این جا می آوریم. این داستان ها، به دلیل بار

اخلاقی و معنویشان برای برنامه سازی بسیار مناسب هستند.

گردن بند طلا

دکتر صاوی می گویـد: «روزی جوانی را دیـدم که گردن بندی از طلا با نقش علی (ع) بر گردن داشت. به خاطر عشق زیاد به علی (ع) با خود گفتم: ای کاش آن گردن بنـد از آن من بود، ولی افسوس که گردن بنـد طلا برای مرد حرام است. فردای آن روز که در خـدمت علاّـمه امینی بودم، یکی از عالمان ایرانی وارد شـد و کیسه ای به علاّمه داد. علاّمه آن کیسه را گرفت و به من داد، و فرمود: «آن چه می خواستی در این کیسه است».

وقتی بیرون آمدم و کیسه را باز کردم، دیدم گردن بندی از مرمر است که نقش علی (ع) بر آن حک شده است. با شـگفتی از خود پرسیدم: چگونه علاّمه از خواست و اراده درونی من آگاه شد؟! سپس فهمیدم که او دارای کشف و کرامت است».(۱)

مدحِ خوبان

آقای حبیب اللّه چایچیان ـ حسان ـ از شاعران معاصر می گوید: «علاّمه در ماه محرم یکی از سال ها در مشهد مقدس به منبر می رفت. روزی بعـد از منبر، کودک خردسالی بلنـد شـد و قصـیده ای دربـاره شب یـازدهم محرم خوانـد که مردم و علاّمه با صـدای بلند گریسـتند و ضـجّه زدند. پس از مراسم، علاّمه از شاعر قصـیده، پرس و جو می کند و می فرماید: می خواهم او را ببینم. مرا خواستند و من به ملاقات ایشان رفتم. از آن روز تا زمان درگذشت علاّمه،

۱- ربع القرن مع العلاّمه، صص ۲۸۸ ـ ۲۸۹.

همراه ایشان بودم. روزی که با گروهی به استقبال ایشان رفته بودیم، اشعاری در مدح او خواندم. برخلاف انتظار من، علاّمه نگاه تندی به من کرد و فرمود: حسان! اگر به جای من، امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را مدح می کردی، پاداش بیش تری می گرفتی. گفتم: من شما را به خاطر خدمتی که به اهل بیت (ع) کرده اید، مدح می کنم. پس مدح شما، مدح اهل بیت (ع) است».(۱)

ارزش صاحب الغدیر در نزد صاحب «غدیر»

۱ _ علاّمه سیدمحمدتقی حکیم از قول یکی از فضلای خوزستانی نقل می کند: «در خواب دیدم قیامت برپا شده است و مردم در محشر موج می زنند. در این هنگام دیدم گروهی در اطراف حوض آبی که بسیار زلال و شفاف است، گرد آمده اند و هرکدام می کوشند در نوشیدن آب آن حوض بر دیگری پیشی گیرند. در این هنگام، مردی نورانی کنار حوضِ آب آمد. برخی را در نوشیدن آب پیش می اندازد و برخی را از نوشیدن آن باز می دارد. فهمیدم که او امام علی (ع) است. جلو رفته، سلام کردم و با اجازه حضرت کاسه ای از آب حوض نوشیدم.

در این هنگام دیدم علاّمه امینی وارد می شود. می خواستم برخورد امام (ع) را با علاّمه ببینم. وقتی ایشان کنار حوض رسید، امام با احترام از او استقبال و با وی معانقه کرد. سپس کاسه ای از آن آب پر کرد و خواست که با دست خود، علاّمه را سیراب کند، ولی علاّمه به خاطر احترام، به این کار راضی نبود. سرانجام امام (ع)، با اصرار زیاد علاّمه امینی را به دستِ مبارک خویش از

۱- ربع القرن مع العلاّمه، صص ۲۸۴ _ ۲۸۵.

آن آب سیراب کرد. وقتی چنین دیدم، به حضرت عرض کردم: ای مولای من! یا امیرالمؤمنین! چرا برخورد و احترامی که با علاّمه داشتید با من نکردید؟ امام فرمود: «الغَدیرُ غدیرُه؛ کتاب الغدیر، چشمه کوثر او است.»

آری، به راستی که الغدیر، چشمه ای سیراب کننده و سرچشمه گرفته از حوض کوثر است».(۱)

۲ ــ دکتر محمدهادی امینی از قول یکی از مراجع تقلید معاصر نقل می کند: «روزی در نجف، خدمت علاّمه امینی بودم که در مورد یکی از عالمان آن زمان سخن به میان آمد. علاّمه به خاطر عملکرد او در یک موضوع ولایی، به شدّت از او انتقاد کرد. به خاطر این انتقاد، کدورتی در دلِ من نسبت به علاّمه پیدا شد. پس از درگذشت علاّمه، شبی در عالم رؤیا دیدم که عرصات محشر است. بسیار تشنه بودم. به همین دلیل، به سوی حوض کوثر رفتم تا از دست صاحب کوثر سیراب شوم. وقتی به آن جا رسیدم، با شگفتی دیدم علاّمه امینی به جای امیرالمؤمنین ایستاده است و مردم را سیراب می کند. به این ترتیب، مقام علاّمه بر من آشکار شد و از کرده خود پشیمان گشتم».(۲)

۳ ــ نویسنده کتاب جرعه نوش غدیر به نقل از یکی از مراجع تقلید در قم می نویسد: «روزی علاّمه امینی در کربلا به خانه ما آمد و در میان صحبت هایشان فرمود: روزی پولم تمام شده بود و چیزی در بساط نداشتم. حتّی دو روز بود غذایی در منزل نبود. به حرم امیرالمؤمنین مشرف شدم. پس از زیارت، قرآن را باز کردم و آیه «انّ اللّهَ هو الرّزاقُ ذوالقوه المتین» را برای

۱- ربع القرن مع العلاّمه، صص ۴۹ ــ ۵۰.

۲- جرعه نوش غدیر، صص ۱۰۷ ــ ۱۰۸.

حضـرت خوانـدم و عرضه داشـتم: «یا علی! من معنی این آیه را نمی فهمم» و از حرم خارج شـدم. از صَـحنِ مطهّر، بیرون نرفته بودم که پول به دستم رسید و از آن وقت تا حال، هیچ گاه بی پول نشده ام».(۱)

۴ ـ «صبح روزِ ورودِ علّامه امینی به منزل آقای خادمی در اصفهان، حجت الاسلام فیروزیان که از ورود علّامه بی خبر بود، به خانه ایشان می رود و می گویـد: شب گذشـته در خواب دیـدم که جمعیت انبوهی جلوی منزل شـما گرد آمده اند و به شدت ابراز احساسات می کنند. پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: «امیرالمؤمنین آمده است».

اینک آمـده بودم که خوابم را برای شـما نقل کنم که خوابم تعبیر شـد؛ اگرچه خود مولا تشـریف نیاورده انـد، ولی شاگردش آمده اند تا روح ایمان و ولایت را زنده کنند».(۲)

دعای علّامه امینی و شفا یافتن مریض

۱ ـ علاّـمه نقـل کرده است که: «روزی به دیـدن یکی از دوسـتانم رفتم که از عالمـان اهـل سنّت بود. وقـتی در خـانه را زدم، صـدای هلهله ای از درون خانه بلند شد، ولی وقتی در باز شد، صدا خاموش گردید. پس از ورود، دوسـتم گفت: دختری دارم که به بیماری صـرع مبتلاست. هر وقت این بیماری به سـراغش می آید، دعانویسـی هست که دعایی می نویسد و او خوب می شود. لحظه ای پیش دوباره این بیماری بر او چیره شد و ما کسی به دنبالش فرستاده بودیم که بیاید و دعایی بنویسد. وقتی شما در زدید، خانواده گمان

۱- جرعه نوش غدیر، ص ۱۰۸.

۲- جرعه نوش غدیر، ص ۱۱۴.

کردند که آن دعانویس است و به این دلیل، خوش حالی کردند. گفتم: «من دعایی می نویسم، او خوب می شود.»

سپس بر کاغذی، ذکر «یاعلی» را نوشتم و گفتم این را به بازوی راست دخترتان ببندید و در باطن به مولا علی بن ابی طالب توسّل کردم که ما را شرمنده نکند.

دعا را بر بازوی راست دختر بستند و دختر شفا یافت و به حالت اول برگشت.(۱)

۲ ــ حاج آقا رضا امینی نقل می کند: «استاد محمدعبد الغنی(۲) در نامه دوّمش به علاّمه نوشته بود: سفارش شما را ــ در مورد سرودن شعر برای اهل بیت (ع) ــ پذیرفتم و شعری را که درباره امیرالمؤمنین سروده ام، خدمت شما می فرستم. البته من این قصیده را در حالی سروده ام که دخترم ــ تنها امید زندگانی ام ــ در بستر بیماری افتاده است و پزشکان او را جواب کرده اند. من این اشعار را در کنار بستر دخترِ بیمارم و با چشمان اشک آلود سروده ام و از شما می خواهم این اشعار را خدمت مولایم ــ امیرالمؤمنین ــ بخوانید و شفای دخترم را از ایشان بخواهید. امیدوارم شما شفای دخترم را از حضرت بگیرید.

علاّمه پس از خواندنِ نامه، همان شب ــ که شب جمعه بود ــ به حرم علوی رفت و همان اشعار و نامه را برای حضرت خواند و شفای دختر را از حضرت خواست. فردای آن روز، نامه ای به آن عالم فرستاد و نوشت: «من شب جمعه به حرم مطهر علوی مشرف شدم و شفای دخترت را از حضرت

۱- جرعه نوش غدیر، ص ۱۱۰.

۲- از شخصیت های برجسته مصری.

طلب کردم».

پس از مـدتی، نامه سوّم اسـتاد عبـدالغنی رسـید که نوشـته بود: من ساعت و زمان تشـرف شـما را به حرم مطهّر با لحظه شـفای دخترم تطبیق کردم؛ همان ساعتی که دخترم از بستر بیماری بلنـد شد، شـما در حرم مطهّر، شـفای او را از حضـرت درخواسـت کرده اید».(۱)

سفارش علاّمه به استاد جعفری

علاّمه محمـدتقی جعفری می نویسد: «یکی از خویشاوندان این جانب، در واپسـین روزهای سال ۱۳۵۵، خواب می بیند که در برابر مرحوم علاّمه امینی، در یک اتاق نشسـته است. علاّمه به او می گوید: آیا شما جعفری را می شناسید؟ وی پاسخ می دهد: آری!

سپس پاکتی را که در میان آن نامه ای بوده است، به ایشان می دهـد و می گویـد: این نامه را به جعفری بدهید و به او بگویید: ما اکنون در عالمِ برزخ دسـتمان از کار بسـته است (نمی توانیم کاری انجام بـدهیم)، ولی شـما که در آن دنیا و در میـدان کار هستید، درباره امیرالمؤمنین علی (ع) کار کنید.

علاّمه جعفری می نویسـد: حـدود یـک سال بود که در فکر ترجمه و تفسـیر نهـج البلاغه بودم، ولی پس از آن که جریان این رؤیا را شنیدم، برای کار ترجمه و تفسیر، تصمیم نهایی را گرفتم».(۲)

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱ ــ نام کوچک علاّمه امینی چیست؟ عبدالحسین

۱- جرعه نوش غدیر، صص ۱۰۴ ــ ۱۰۵.

۲- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۸۲.

۲ _ علاّمه کجا به دنیا آمد و سال ولادت ایشان چه زمانی است؟ تبریز، ۱۳۲۰ ه . ق (۱۲۸۱ ه . ش)

۳ _ نخستین حوزه محل تحصیل علاّمه کجاست؟ طالبیه تبریز

۴ _ کتاب خانه مهمی که علاّمه امینی پایه ریزی کرد، در کجا قرار دارد؟ نجف اشرف

۵ _ علاّمه امینی استاد کدام مبارز و مجاهد روحانی است؟ شهید نواب صفوی

۶ _ مهم ترین هدف علاّمه امینی از نگارش الغدیر چه بوده است؟ دفاع از امامت و ولایت بلافصل امیرمؤمنان علی (ع)

۷ _ مهم ترین اثر نوشتاری علاّمه چیست؟ الغدیر

۸ _ علاّمه چندسال از عمرشان را برای نگارش الغدیر صرف کرد؟ حدود ۴۰ سال

۹ _ علاّمه امینی در دوران جوانی با کدام یک از قیام های مردمی در ارتباط بود؟ قیام شیخ محمد خیابانی

۱۰ _ چه کسی برای اولین بار، شرح حال عالمان شهید را نوشت؟ علاّمه امینی

۱۱ _ عبارت «روح اللّه ذخیره خدا برای شیعه است» از کیست؟ علاّمه امینی

۱۲ _ کتاب الغدیر چند جلد دارد؟ ۱۱ جلد

۱۳ _ علاّمه امینی در چه تاریخی درگذشت؟ ۱۲ تیر ۱۳۴۹ ه . ش (۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۰ ه . ق)

۱۴ _ آرام گاه علاّمه امینی کجا است؟ نجف اشرف

پرسش های مصاحبه ای

پرسش های مصاحبه ای

۱ ـ آیا شما نویسنده کتاب الغدیر را می شناسید؟

۲ ـ علاّمه امینی در کجا به دنیا آمد؟

۳ ـ به نظر شما ویژگی اخلاقی علاّمه امینی چه بود؟

۴ ـ ویژگی های کتاب الغدیر چیست؟

۵ ـ چند اثر از آثار علاّمه امینی را نام ببرید؟

۶ ـ به نظر شما هدف علاّمه از نگارش الغدیر چه بود؟

۷ ـ کتاب الغدیر در چند جلد گردآوری شده است؟

۸ ـ آیا می دانید محور اصلی کتاب الغدیر چیست؟

۹ ـ آرام گاه علاّمه امینی در کدام شهر است؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱ ـ گزیده ای از زندگی نامه علاّمه امینی را بیان کنید.

۲ ـ زندگی علمی علاّمه در حوزه تبریز و نجف چگونه بود؟

۳ ـ جنبه فقهی ـ اجتهادی زندگی علاّمه را بررسی کنید.

۴ ـ جنبه علمی زندگی ایشان را چگونه ارزیابی می کنید.

۵ ـ درباره ویژگی های اخلاقی ـ اجتماعی زندگی علاّمه توضیح دهید.

۶ ـ درباره دیدگاه علاّمه در «تشکیل خانه نویسندگان» توضیح دهید.

۷ ـ هدف علّامه از «کنترل نشریه های جهانی درباره اسلام» چه بود.

۸ ـ ویژگی های تبلیغی و سخنرانی های علّامه را نام ببرید؟

۹ ـ ویژگی های مهم کتاب الغدیر چیست؟

۱۰ ـ کتاب الغدیر با کتاب هایی هم چون «عقبات الانوار» که آن هم درباره

ولایت است، چه فرقی دارد؟

۱۱ ــ ویژگی پژوهشِ علاّمه در الغدیر و دیگر آثارشان را در چه می دانید؟

۱۲ ــ عنایت های حضرت امیرمؤمنان علی (ع) در نگارش کتاب الغدیر را با ذکر داستانی توضیح دهید؟

۱۳ ــ به نظر شما آیا علاّمه امینی با پیش کشیدن بحث «خلافت علی (ع)» به جدایی بیش تر دو مذهب شیعه و سنی دامن زده است؟

۱۴ ــ در مورد روش شناسی پژوهشی علاّمه در الغدیر توضیح دهید.

۱۵ ــ آثار الغدیر در میان شیعه و سنی را برشمارید.

۱۶ ــ چرا علاّمه الغدیر را نوشت؟ چه نیازی به وجود چنین کتابی احساس می شد؟

۱۷ ــ درباره اثرهای دیگر علاّمه به جز الغدیر توضیح دهید.

۱۸ ــ دیدگاه علاّمه در مورد حکومت دینی و ولایت فقیه چیست؟

کتاب نامه

۱ _ امینی، عبدالحسین؛ الغدیر، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه . ق.

۲ _ ؛ الغدیر، برگردان: محمدتقی واحدی و دیگران، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۴۰.

۳ _ ؛ شهیدان راه فضیلت، برگردان: جلال الدین فارسی، تهران، انتشارات روزبه، چاپ سوّم، ۱۳۶۲.

۴ _ حکیمی، محمدرضا؛ حماسه غدیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶ ه . ق.

۵ _ مدرس، میرزامحمدعلی؛ ریحانه الادب، کتاب فروشی خیام، چاپ سوّم، ۱۳۶۹.

۶ _ جرفادقانی؛ علمای بزرگ شیعه، قم، انتشارات معارف اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۶۴.

۷ _ شاکری، حسین؛ ربع قرن مع علامه الامینی، چاپ اوّل، ۱۴۱۷ ه . ق.

۸ _ دوانی، علی؛ نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع).

۹ _ لطیفی، مهدی؛ علّامه امینی، جرعه نوش غدیر، قم، انتشارات انصاری، چاپ دوّم، ۱۳۷۹.

۱۰ _ جعفری، محمدتقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۶۵.

۱۱ _ جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم (زیر نظر پژوهشکده

باقرالعلوم)؛ گلشن ابرار، قم، نشر معروف، ۱۳۷۹.

۱۲ ـ انصاری زنجانی، محمدباقر؛ چهارده قرن با غدیر، قم، انتشارات دلیل، چاپ اوّل، ۱۳۷۹.

۱۳ ـ نعیمی، جواد؛ غدیر، کرانه ای و دریایی، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۰.

۱۴ ـ دبیرخانه دومین اجلاس حوزه و تبلیغ؛ یادنامه علاّمه امینی، قم، ۱۳۷۹.

۱۵ ـ سیّد، کمال؛ دراسه فی موسوعه الغدیر (ویژه نامه دومین اجلاس حوزه و تبلیغ)، دبیرخانه دومین اجلاس حوزه و تبلیغ، ۱۳۷۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹